|  |
| --- |
|  |

|  |
| --- |
|  |

|  |
| --- |
|  |



**دانشگاه پيام نور**

**واحد قم**

**گروه مديريت صنعتی**

**پروژه برای دريافت درجه کارشناسی**

**عنوان:**

**عوامل موثر در انتخاب رشته مدیریت صنعتی در بین دانشجویان دانشگاه قم**

**نگارش:**

**داود کریمی**

**زمستان1391**



**فهرست مطالب**

**عنوان شماره صفحه** چکیده .............................................................................................................

**فصل اول: کلیات** .................................................................

1-1- مقدمه .................................................................................................

2-1- بیان مسئله ................................................................................

3-1- اهمیت و ضرورت پژوهش ..........................................................

4-1- مدل تحلیلی پژوهش ........................................................

5-1- فرضیات پژوهش ...................................................................

1-5-1- فرضیه اول ...................................................................

2-5-1- فرضیه دوم ...................................................................

6-1- محدوده اجرای پژوهش (زمان و مکان)...................................................

7-1- تعریف لغات و اصطلاحات کلیدی...........................................................

**فصل دوم: مروری بر ادبیات پژوهش** .............................................................................

1-2- مقدمه .................................................................................................

2-2- تعاریف و اصطلاحات پژوهش ......................................................................

3-2- تاریخچه پژوهش (شامل پژوهش هایی که در این زمینه قبلا انجام شده و نتایج آنها)

**فصل سوم: روش اجرای پژوهش** .........................................................................

1-3- مقدمه ................................................................................................

2-3- روش تحقیق (نوع روش تحقیق مثلا پیمایشی یا مشاهده یاو.................................................................)

3-3- جامعه آماری .....................................................................

4-3- نمونه و حجم نمونه ...............................................................

-53- ابزار گرد آوری داده ها...............................................................................

6-3- روایی ابزار گرد آوری اطلاعات.............................................................

7-3- پایایی ابزار گرد آوری اطلاعات....................................................................

**عنوان شماره صفحه**

8-3- تشریح روش گرد آوری اطلاعات(تشریح پرسشنامه یا تشریح روش مصاحبه یا تشریح روش نمونه برداری)...................................................................

**فصل چهارم: تجزیه وتحلیل داده ها** .............................................................................

1-4- مقدمه ....................................................................................

2-4- ابزار تجزیه و تحلیل داده ها(مثلا نرم افزارspss)

3-4- آمار توصیفی (تعداد ،جنسیت ، تحصیلات ، درصد جواب به سوالات و با رسم نمودار هیستوگرام)

4-4- آزمون فرضیات .................................................................................................

1-4-4- آزمون فرضیه اول ................................................................................

2-4-4- آزمون فرضیه دوم ................................................................................

5-4- نتایج کلی (مثلا فرضیه اول پذیرفته شد و فرضیه دوم رد شد)..............................................

**فصل پنجم: نتیجه گیری و پیشنهادات**....................................................................

1-5- مقدمه ..............................................................................................

2-5- نتایج آزمون فرضیات.....................................................................

1-2-5- نتایج فرضیه اول ...............................................................

2-2-5- نتایج فرضیه دوم..................................................................

3-5- پیشنهادات ..............................................................................................

1-3-5- پیشنهاد درباره فرضیه اول..............................................

2-3-5- پیشنهاد درباره فرضیه دوم ....................................

4-5- پیشنهاداتی به محققان آتی...................................................................

**پیوست ها** ..........................................................................................................

منابع و ماخذ .......................................................................................................

فهرست منابع فارسی ..........................................................................................

فهرست منابع غیر فارسی .....................................................................................

فهرست نام ها ...................................................................................................

**فهرست جداول**

**عنوان** **شماره صفحه**

جدول 1-1**-** .................................................................................................................

جدول 2-1- ...............................................................................................................

**فهرست نموداره ها**

**عنوان**  **شماره صفحه**

نمودار 1-1- ....................................................................................................................

نمودار 2-1- ....................................................................................................................

**بررسی عوامل موثر در انتخاب رشته مدیریت صنعتی در بین دانشجویان**

**دانشگاه قم**

**چکیده؛**

*پژوهش حاضر بررسی عوامل موثر در انتخاب رشته مدیریت صنعتی در بین دانشجویان گروه مدیریت صنعتی دانشگاه قم می باشد. بدین منظور پرسشنامه ای10 آیتمی بر اساس نتایج یک تحقیق مقدماتی با سوالات باز برای بررسی عوامل موثر درانتخاب رشته مدیریت صنعتی تهیه شده است که پس ازبررسی روایی پرسشنامه، پایایی آن با اجرا بر روی 100نفر از دانشجویان گروه مدیریت صنعتی دانشگاه قم بررسی گردید، روش تحقیق توصیفی از نوع پیمایشی بوده است بر طبق نتایج آزمون تحلیل عوامل موثر، از سه عامل شغلی، خانوادگی دوستان و فردی تشکیل شده است افراد اگر با فراهم بودن شرایط لازم با آگاهی و از روی علاقه به تحصیل بپردازند قطعا جامعه ای پویا و خودکفا را پدید خواهند آورد که در آن خوشبختی و رضایتمندی را می توان در زندگی افراد جستجو کرد. با اين حال نبود علاقه به رشته تحصيلي مي‌تواند تنها يكي از دلايل مهم بي‌انگيزگي و افت تحصيلي دانشجويان باشد در این مقاله به منظور بحث و بررسی پیرامون چالشها و فرصتهای نظام آموزش عالی در تامین نیازهای مهارتی نیروی انسانی مورد نیاز بازار كار، عوامل موثر به دو گروه درونی و بیرونی تقسیم می شوند و سپس تشریح جزئیات هر گروه صورت می گیرد باتوجه به تعدد عوامل موثر بر اشتغـال فارغ التحصیلان رشته مدریت صنعتی باید برای حل این معضل از كلیه سازمانهای مرتبط به منظور تهیه و اجرای یك طرح جامع و فراگیر در زمینه اشتغال استفاده شود. آنچه كه در تدوین طرح فوق باید مدنظر قرار گیرد توجه به عوامل اصلی موثر بر اشتغال فارغ التحصیلان رشته مدیریت صنعتی و مسئولیت دادن به سازمانهای مرتبط با آن است پس از بررسیهای فراوان و تجزیه و تحلیل اطلاعات و بررسی عوامل مهم در این باره می توان اینگونه ابراز داشت که دانشجویان با آگاهی کافی وارد دانشگاه نشده اند و نیز والدین آنها در انتخاب آنها نقش مستقیمی داشته اند و نیز نگاه مدرک گرایی موجب آن گردیده است تا مسئله علاقه اندکی نادیده گرفته شود و همینطور عدم توجه به آینده و بازار کار رشته و نیز عدم توانایی اساتید در جذب و علاقه مند کردن دانشجویان نشان می دهد که در مجموع و به طور نسبی میزان علاقه دانشجویان نسبت به رشته تحصیلی خود در سطح پایین قرار دارد.*

**فصل اول؛  
کلیات تحقیق**

**1-1) مقدمه تحقیق :**  
هر کس در زندگی بارها دست به انتخاب می‌زند. چرا که انتخاب یکی از مهمترین فعالیت‌های انسان است. انسان با انتخاب‌های خود مسیر زندگی‌اش را تعیین می‌کند.

انسان آزاد آفریده شده است و به وی این اختیار داده شده است که در بسیاری از موارد آنچه را که مناسب می‌داند برگزیند. لحظات انتخاب، لحظاتی حساس هستند. چرا که با تصمیم گیری درباره روش‌ یا پدیده‌ای خاص، فرد سرنوشت خود را رقم می‌زند. انتخاب در زندگی از اهمیت بالایی برخوردار است. با انتخاب درست می‌توان از منابع (مادی، مالی، انسانی و اطلاعاتی) به شیوه‌ای مناسب بهره برداری کرده و از اتلاف این منابع جلوگیری کرد. انتخابی که مبتنی بر اطلاعات و بینش باشد می‌تواند به تصمیم گیرنده در جلوگیری از ضایع شدن منابع کمک کند. از طرف دیگر به خاطر آن فرد تصمیم گیرنده، باید نسبت به انتخاب خود پاسخگو باشد، بنابراین انتخاب صحیح می‌تواند به مسئولیت پذیری کمک کند برخی می پندارند برای آنکه بتوان به توسعه کشور و ایجاد پیشرفتهایی در آن کمک کرد، باید تحصیلات دانشگاهی داشت. بهتر است بگوییم افرادی که در دانشگاه تحصیل کرده‌اند تا اندازه‌ای به رشد و توسعه جامعه کمک می‌کنند. افراد دیگر نیز می‌توانند موجبات توسعه کشور را فراهم آورند. در  
 انتخاب رشته تحصیلی در دوره متوسطه یک بار دانش آموزان انتخاب رشته تحصیلی را تجربه می‌کنند. در واقع این انتخاب یکی از سرنوشت سازترین انتخاب‌های دانش آموزان است. با این کار آنان در راهی قدم می‌گذارند که زمینه دانش و توانایی آنان را تعیین می‌کند. فرصت بعدی برای انتخاب رشته تحصیلی هنگامی است که دانش آموزان برای ورود به دانشگاه ثبت نام می‌کنند. آنان پس از شرکت در آزمون سراسری و در صورتی که مجاز به انتخاب رشته شوند. رشته و دانشگاه محل تحصیل خود را برمی‌گزینند و بدین شکل بار دیگر سرنوشت خود را با یک انتخاب رقم می‌زنند .انتخاب رشته تحصیلی اهمیت فراوانی دارد زیرا انتخاب نادرست رشته تحصیلی سبب افت علمی کشور، تضییع منابع اقتصادی و انسانی، بی تفاوتی و بی انگیزه شدن دانشجو نسبت به مسائل اجتماعی و ایجاد اختلالات روانی در زندگی فردی و اجتماعی دانشجو می‌گردد .

از آنجا که با نتایج بدست آمده از طریق جوامع آماری مختلف این مشکل که تناسب بین رشته های دانشگاهی یا دانشجویی این رشته وجود ندارد این موضوع احساس می شود که در آینده نه چندان دور جامعه جوان ما با مشکلات عدیده ای رو به رو خواهد شد. با توجه به زیر ساخت های کشور ما که بایستی آن را سی ساله نامید با تمدنی دو هزار و پانصد ساله و عدم توجه مسؤلین و بی برنامگی نسبت به اوج هرم سنی جوان در طی ده سال اخیر؛ اما در جامعه ما نبود امکانات و ابزارهای مناسب به منظور جذب علاقه مندان هر رشته و به حرفه و موضوع مورد علاقه آنها چنین به نظر می رسد که ما در حال هدر رفت نیروهای بالقوه ای هستیم که به دلایل متعدد ناچارند به سمتی سوق یابند که آنجا به حداقل وضعیت ایده آل خود دست یابند و شاید اصلاً نمی رسند.  
شاید بتوان علل مواردی همچون سرخوردگی جوانان، افسردگی آنها، انصراف از تحصیل، بی تفاوتی نسبت به پیرامون و . . . ، در بدترین حالت اعتیاد در جوانان و همینطور خودکشی آنها را در این مقوله نیز جستجو کرد به هرترتیب موضوع مدرن کردن قانونچه ای که بتواند هر فرد را متخصص و علاقه مند به حرفه ای گرداند که بالاترین بهره وری و کارایی را از خود نشان دهد چه برای خویش و چه برای جامعه خویش کاملاً نیاز می باشد و لذا در چنین تقاضایی تلاش برای جستجوی دلایل و علل این ناهمگونی که متاسفانه تقریبا درصد زیادی به خود اختصاص داده است؛ پژوهش عمیق خالی از لطف نباشد تا شاید راهکارهای مناسبی با توجه به موارد پیش آمده هم پیشنهاد و هم به کار بسته شود تا ما شاهد هرز رفتن استعداد های انسانی و نارضایتهای شغلی و درشکل وسیع آن هدر رفتن سرمایه های ملی خود نباشیم. بنابراین در طول این تحقیق قصد بر آن است تا شکلی صحیح ازعوامل موثر در انتخاب رشتهمدیریت صنعتی در بین دانشجویان، واقعیت اجتماع و وضعیت تحصیلی **-** اجتماعی دانشجویان و فارغ التحصیلان دانشگاهی ارائه گردد و همزمان با آن با تهیه نظر سنجی های مورد نظر در حجم آماری محدود در دانشگاه قم بتوان نمونه ای را ارائه داد تا بدین وسیله کورسوی امیدی را در دل جامعه ای روشن کرد که در آینده نزدیک تناسب علاقه دانشجویان به رشته تحصیلی شان به حداکثر خویش برسد.

**2-1 ) بیان مسأله و هدف اصلی تحقیق :**  
دلیل و علت اصلی این تحقیق آن است که در نگاه اول بتوان آماری از عوامل موثر در انتخاب رشته مدیریت صنعتی در بین دانشجویان را بدست آورد و سپس با توجه به این آمار بدست آمده دلایل و عوامل مؤثر را شناسایی کرده و آنها را مورد تجزیه و تحلیل قرارداد و در نگاه بعد تلاشی گسترده برای یافتن راه حل های مورد نیاز انجام داد تا بتوان آینده را آن چنان تنظیم کرد که بهترین شرایط فراهم گردد.

**3-1) بیان فرضیه های تحقیق :**  
**1-3- 1 فرضیه اصلی :**  
چه عواملی در انتخاب رشته مدیریت صنعتی در بین دانشجویان دانشگاه قم موثر است.  
**2- 3 - 1  فرضیه های فرعی:**  
1) میزان آگاهی دانشجویان پیش از ورود به دانشگاه در انتخاب رشته شان مؤثر است.  
2) سطح تحصیلات خانواده و راهنمایی های خویشاوندان در انتخاب رشته دانشجویان نقش دارد.  
3) مدرک گرایی صرف باعث انتخاب رشته دانشجویان می گردد.  
4) آینده رشته و بازار کار در انتخاب رشته و علاقه دانشجویان نقش دارد.  
5) شیوه تدریس اساتید و سطح عملی آنان موجب علاقه مند شدن دانشجویان می گردد.

6) نزدیک بودن این رشته به رشته مهندسی صنایع در انتخاب آن برای دانشجویان رشته علوم انسانی نقش دارد.

7) تاثیر پذیری از دوستان و همسالان چقدر در انتخاب این رشته نقش داشته است.  
  
**4-1) اصطلاحات و عبارات کلیدی تحقیق :**  
1-4-1 **دانشجو:** فردی که برای ادامه تحصیل در دانشگاه پذیرفته می شود.  
2-4-1  **استاد :** فردی که در دانشگاه تدریس می کند.  
3-4-1 **علاقه و انگیزش :** میل و رغبت در انسان به منظور اشتغال در کار یا امری.  
4-4-1 **رشته تحصیلی** : زمینه ای که دانشجو یا محصل در آن تحصیل می کند.  
5-4-1  **بازار کار** : موقعیتی که در آن افراد به منظور ارضای نیاز اقتصادی و اجتماعی خود فعالیت می کنند.  
**5-1) بیان مسئله تحقیق و سؤالات اصلی تحقیق :**  
مسأله علاقه و رغبت به رشته تحصیلی، مسأله ای است که به شدت مورد توجه ادامه دهندگان راه علم است. پویندگان راه دانش همواره در پی آن هستند تا راه و مقصدی را انتخاب کنند که درآن بتوانند حداکثر تواناییهای خود را به ظهور برسانند و از این طریق نیز نیازهای روحی و روانی خود را پاسخگو باشند. بنابراین می توان اذعان داشت که مساله علاقه به رشته تحصیلی یکی ارکان پیشرفت در سطح شخصی و نیز در سطح کلان در محیط جوامع نیز می باشد. به طوری که آثار مثبت و منفی این مقوله به طور کاملاً آشکارا قابل لمس است.  
اگر رشته های تحصیلی از روی علاقه و میل باطنی انتخاب شوند موجب پیشرفت جامعه گشته و در غیر این صورت کاملا بدیهی، واضح و مبرهن است که آثار سوء و مخرب به همراه خواهد داشت و این مبحثی است که سهل و ممتنع گشته است چرا که در عین ساده بودن شکل نمی توان راه حل ساده ای برای رفع آن داد و لذا مقوله انتخاب رشته تحصیلی مقوله ای مهم و تأثیرگذار است که بایستی مورد توجه بیشتری از درک فرد، خانواده و جامعه قرار بگیرد، و به همین دلیل تصمیم بر آن گرفته شده است تا پیرامون این مبحث مهم و البته کلام، جستاری شود تا اینکه ریشه های این مسئله یافت گردد و پس از آن برای رفع این معضلات تا سرحد امکان پیشنهادات مربوطه تقدیم مراجع گشته تا شاید رهنمودی گردد برای اصلاح معایب روز و فراهم آوردن شرایطی بسیار بهتر برای آیندگان.

**1-5-1 سؤال اصلی تحقیق :**  
چه عواملی در انتخاب رشته مدیریت صنعتی در بین دانشجویان دانشگاه قم موثر هستند؟

**2-5-1 سؤالات فرعی :**  
1) آیا دانشجویان رشته تحصیلی خود را با آگاهی انتخاب می کنند؟  
2) سطح تحصیلات خانواده و راهنمایی خویشاندان موجب انتخاب رشته دانشجویان می گردد؟  
3) اساتید در جذب و علاقه مند کردن دانشجویان به این رشته نقش دارند؟  
4) آینده رشته و بازار کار آن موجب انتخاب رشته از سوی دانشجویان می گردد؟  
5) آیا مسئله دوری از خانواده و شهر در انتخاب رشته دانشجویان مؤثر می باشد؟

6) آیا نزدیک بودن این رشته به رشته مهندسی صنایع در انتخاب آن برای دانشجویان رشته علوم انسانی موثر بوده است؟

7) دوستان و همسالان چه نقشی در انتخاب این رشته داشته اند؟

**6-1 ) روش تحقیق:**  
از آنجا که تحقیق پیش رو در پی آن است تا عوامل موثر در انتخاب رشته مدیریت صنعتی در بین دانشجویان را مورد بررسی قراردهد لذا به نظر می رسد بهترین روش تحقیق برای این امر می تواند توصیفی از نوع پیمایشی باشد که در آن از ابزارهای جمع آوری اطلاعات همچون پرسشنامه استفاده می شود.  
**7-1) روش گردآوری اطلاعات:**  
همانطورکه اشاره شد در این روش سعی بر آن شده است تا نوعی از تحقیق توصیفی پیمایشی ارائه گردد و در این روش اهتمام بر آن شده است تا از ابزار پرسشنامه و همین طور منابع گذشته تحقیق و اطلاعات موجود در اینترنت استفاده شود، بنابراین می توان روش گردآوری تحقیق را میدانی و پرسشنامه ای نامید که در این روش برای جمع آوری اطلاعات، پرسشنامه ها به افراد واجد شرایط تحویل داده می شود و سپس به همراه پاسخ دریافت می گردد.

**8-1) جامعه آماری:**  
جامعه آماری تحقیق مورد مطالعه، دانشجویان رشته مدیریت صنعتی دانشگاه قم می باشد .

**9-1) قلمرو تحقیق :**  
قلمرو تحقیق از لحاظ موضوعی، مکانی و زمانی به شرح زیر است :

**1-9 ) قلمرو موضوعی :**  
بررسی عوامل موثر در انتخاب رشته مدیریت صنعتی در بین دانشجویان دانشگاه قم می باشد.

**2-9) قلمرو مکانی :**  
دانشجویان رشته مدیریت صنعتی، دانشگاه قم

**3-9) قلمرو زمانی :**  
قلمرو زمانی این تحقیق برای دانشجویان ورودی سالهای 1388 تا 1391 است.  
  
**10-1) موانع و محدودیت های احتمالی :**  
از آنجا که برای بدست آوردن اطلاعات نیازمند آن بودیم تا وارد مسائل شخصی افراد شویم لذا همواره  احتمال عدم ارائه اطلاعات نادرست موجب نگرانی ما بوده است و نیز می توان دامنه وسیع این تحقیق و همچنین حوزه های پیچیده مورد بررسی تحقیق پیش رو را هم از جمله موانع و محدودیت در نظر گرفت.

**فصل دوم؛**  
**پیشینه و ادبیات تحقیق**

**1-2) مقدمه :**  
بررسی عوامل موثر در انتخاب رشته و میزان انگیزه و علاقه دانشجویان به رشته تحصیلی خود همواره بخشی از دغدغه های اجتماعی را در بر می گیرد. در جامعه ما نیز این امر به خوبی مشخص است به خصوص که اوج هرم سنی و رشد جمعیت در طی سالهای 88 تا 91 هم اکنون مشغول به تحصیل هستند چه به هنگام انتخاب رشته مورد نظر خود در موقع ورود به دانشگاه و چه در هنگام تحصیل خود در رشته های پذیرفته شده و نیز پس از اتمام تحصیل همواره این مشکل وجود داشته است که چقدر و چه میزان می توان از تخصص این افراد استفاده کرد. افرادی که اگر با فراهم بودن شرایط لازم با آگاهی و از روی علاقه به تحصیل بپردازند قطعا جامعه ای پویا و خودکفا را پدید خواهند آورد که در آن خوشبختی و رضایتمندی را می توان در زندگی افراد جستجو کرد.  
بنابراین مسئله مورد توجه این تحقیق به لحاظ اهمیت در تحقیقات متعدد نیز مورد بحث قرارگرفته اند همه تلاش این تحقیق و تحقیقات گذشته در درجه اول دادن آگاهی و خبر از باطن افراد از انتخاب خود است و در درجات بعدی به دنبال آن هستند تا عوامل موثر را بیابند و آن ها را به کار بندند تا  فکری به حال جامعه جوان و البته هدف گم کرده و سر درگم امروزه ایران کرد.  
  
**2-2) تحقیقات انجام شده :**  
"دونالد سوپر" ( ازنظريه پردازان هدايت شغلي ) در انتخاب شغل بر خويشتن پنداري فرد اهميت زيادي مي دهد در انتخاب شغل به موارد زير اشاره ميكند:

الف)عوامل نقشي:

كليه عواملي را شامل مي شود كه در محيط نقش فرد را تعيين مي كند. بعنوان مثال نقش فرد را در جامعه بعنوان معلم، مهندس ، مشاور و... مي توان مشخص كرد. فرد با در نظر گرفتن ارزش و اهميتي كه شخصا براي نقش هر شغل قائل است و نيز با توجه به ارزش اجتماعي نقش هر شغل به انتخاب يكي از مشاغل مورد علاقه خود اقدام مي كند هرشغل الگوي ويژه ايي از توانايي ها، علايق و خصوصيات شخصيت را اقتضا مي كند. در چارچوب هرشغل، كاركنان با درجات متفاوتي از اين ويژگي ها، به كار اشتغال دارند.

ب) عوامل فردي:

كليه خصوصيات فردي نظير هوش، توانايي خاص، رغبتها و ارزشها در زمره عوامل فردي قرار مي گيرند. چنانكه هريك از ما فقط براي تعداد خاصی از مشاغل شايستگي داريم.

ج) عوامل موقعيتي:

زمينه خانوادگي، اقتصادي- اجتماعي، رابطه عرضه و تقاضا، ميزان دستمزد و...

"رو" معتقد است كه سازمان نيازها و نوع رابطه اوليه فرد با والدين خود و شيوه برخورد والدين و جو

عاطفي خانواده در انتخاب نوع رشته تاثير دارد. فردي بسته نوع رابطه اوليه خانواده با او گرايش دارد كه با آدمها كار كند يا با اشيا، روابط گرم خانوادگي فرد را به سوي انسانها و روابط سرد خانوادگي وي را بسوي اشيا سوق ميدهد.(انتخاب رشته و شغل با ويژگيهاي شخصيتي و نوع تربيت اوليه ارتباط غير قابل انكاري دارد)

"جان ال هالند" نيز نظريه خود را بر اساس دو اصل استوار نموه است.

الف)انتخاب رشته و شغل با نوع شخصيت فرد بستگي دارد.( رابطه ي شغل با شخصيت )

ب)انتخاب شغل رابطه مستقيمي با طرز تلقي و گرايش فرد دارد.

هالند طبقه بندي منظمي از شخصيت را اريه كرده و معتقد است كه فرد بسته به اينكه در كدام يك از اين طبقات قرار داشته باشد رشته و شغل مخصوص به آن طبقه را انتخاب خواهد كرد.

طرفداران نظريه اجتماعي شغل معتقدند كه عواملي در انتخاب شغل تاثير دارند كه از كنترل افراد خارج است. اين عوامل در زندگي كلي و انتخاب رشته و شغل افراد تاثير انكار ناپذيري دارند. به نظر آنان جامعه و طبقه اجتماعي كه هر كدام به نوبه ي خود در فراهم آوردن امكانات و فرصتهاي شغلي موثرند ، روال انتخاب رشته و شغل را تحت تاثير قرار ميدهند

افت تحصيلي در دانشگاه‌ها نگران‌كننده است. گواه اين ادعا، تشكيل كارگروهي در وزارت علوم است تا به بررسي دلايل افت تحصيلي دانشجويان بپردازد.  
با اين كه وزارت علوم، تحقيقات و فناوري از رشد جايگاه علمي دانشگاه‌ها و ارتقاي كيفي مراكز آموزش عالي سخن مي‌گويد؛ چندي پيش سرپرست دفتر مركزي اين وزارتخانه از افت تحصيلي در دانشگاه‌ها ابراز نگراني كرد.30 درصد دانشجويان به رشته تحصيلي خود علاقه‌مند نيستند، طي سال‌هاي اخير، وزارت علوم، افزايش ظرفيت در دانشگاه‌ها و يكسان شدن ظرفيت با تقاضا را از نقاط قوت عملكرد نظام آموزش عالي خوانده، در حالي كه به گفته همين مسئول، بسياري از داوطلبان، رشته تحصيلي خود را با علاقه انتخاب نمي‌كنند و به عبارت بهتر؛ هدف، تنها ورود به دانشگاه است.  
تعدادی از دانشجویان پس از ورود به دانشگاه، كار را تمام شده مي‌دانند و در زمينه تلاش علمي به سمت سستي مي‌روند. با اين حال نبود علاقه به رشته تحصيلي مي‌تواند تنها يكي از دلايل مهم بي‌انگيزگي و افت تحصيلي دانشجويان باشد و در اين زمینه مي‌توان دلايل ديگري را جستجو كرد. در اين زمينه، مسئولان وزارت علوم صادقانه از عللي چون مدرك‌گرايي و خدمت سربازي و حتي افزايش افت تحصيلي در دانشگاه‌هاي غيرانتفاعي و دوره‌هاي شبانه كه دانشجوياني مجبور به پرداخت شهريه هستند، بيش از ديگر دوره‌ها خبر مي‌دهند.  
از ديگر عواملي كه به نارضايتي دانشجو منجر مي‌شود. هنگام انتخاب رشته است، داوطلب تا 100 رشته را انتخاب می کند كه قطعا به بسياري از آنها علاقه‌مند نيست.  
  
**مجلس هم نگران است**  
مجلس اولين واكنش خود را نسبت به افت تحصيلي دانشجويان پس از انتشار اخبار در رسانه‌هاي مكتوب آشكار كرد؛ به طوري كه اعضاي كميسيون آموزش و تحقيقات مجلس، دعوت از مسئولان وزارت علوم، براي توضيح و پاسخ به وضعيت نگران‌كننده افت تحصيلي در ميان دانشجويان را سرلوحه كار خود قرار دادند. يكي از نمايندگان بر ارائه آمار افت تحصيلي تاكيد مي‌كند؛ به عقيده وي، اگر حوزه مشاوره در دوره متوسطه فعال باشد و خانواده‌ها و مسئولان آموزش و پرورش و وزارت علوم درباره رشته‌هاي دانشگاهي به داوطلبان آگاهي بدهند، مي‌توان از افت تحصيلي كاست.  
  
**ابهام در آينده شغلي**  
اما افت تحصيلي در دانشگاه‌ها دلايل ديگري هم دارد، از جمله اين كه جعفر توفيقي، وزير سابق علوم و تحقيقات به خبرگزاري مهر مي‌گويد: در شرايطي هستيم كه ظرفيت دانشجو افزايش يافته ولي دانشگاه‌ها زياد نشده و استاد، كلاس و امكانات آزمايشگاهي با رشته‌هاي دانشجويي هماهنگ نيست. از طرفي دانشجو نسبت به قبل در كنار تحصيل بيشتر به كار مي‌پردازد و به دليل مسائل كسب درآمد، دانشجويان از حالت تحصيل تمام‌ وقت خارج مي‌‌شوند، بنابراين نيازهاي اقتصادي و تلاش براي تامين هزينه تحصيل، دانشجو را به اين سمت مي‌برد تا كمتر به تحصيل توجه كند. توفيقي كه مدت‌هاست در دانشگاه تدريس مي‌كند، عقيده دارد كه دانشجو، آينده شغلي روشني نمي‌بيند، بنابراين تمايل چنداني به فارغ‌التحصيلي و كيفيت تحصيل ندارد.

**دانشگاه توده‌اي نه دانشگاه نخبگان؛**به ‌رغم اصرار وزارت علوم بر افزايش ظرفيت دانشگاه‌ها و تلاش براي پاسخگويي به تمام نيازهاي تحصيلي جوانان و در حالي كه مسوولان اين وزارتخانه مي‌كوشند تا ظرفيت دانشگاه‌ها را در مقاطع مختلف آن ‌قدر توسعه دهند تا صددرصد داوطلبان كنكور در رشته‌‌اي پذيرفته شوند، اما اين رويكرد در برخي موارد، مورد نقد استادان دانشگاه‌ است. برخي از اين افراد به تبديل شدن دانشگاه‌ها به دانشگاه توده‌اي خبر مي‌دهند كه بسياري از افراد، صلاحيت علمي و پايه‌هاي تحصيلي لازم را براي ورود به دانشگاه ندارند و به اين ترتيب، با ورود به كلاس‌هاي درس، سطح علمي دانشگاه‌ها را با افت جدي روبه‌رو مي‌كنند.  
از سوي ديگر، در حال حاضر بسياري از دانشگاه‌ها اعم از دولتي، آزاد و... ظرفيت ارائه خدمات رفاهي و دانشجويي را به افراد ندارند و دانشجو با ورود به دانشگاه با حجمي از مشكلاتي چون خوابگاه نامناسب، اجاره‌هاي سنگين مسكن، شهريه‌هاي طاقت‌ فرسا، مشكل اياب و ذهاب و... مواجه مي‌شود كه درافت تحصيلي او بي‌تاثير نيست.

**استاد بي‌انگيزه؛**  
«25 دانشجو روي صندلي‌هاي خشك چوبي نشسته‌اند، استاد ميانسال روي صندلي چرمي لم داده و در حالي كه عينك نيمه خود را بر سر بيني گذاشته با تن صداي يكنواخت و آرام صحبت مي‌كند. يك ساعت و 45 دقيقه به همين منوال مي‌گذرد، يكي به ساعتش نگاه مي‌كند، يكي تصوير استاد را بر تكه كاغذي مي‌كشد، يكي در آخر كلاس پيامك مي‌فرستد، ديگري خميازه‌هاي كشدار امانش را بريده، ديگري سرش خم شده شايد چرت مي‌زند و....، استادان بي‌انگيزه‌تر از دانشجویان هستند.» هر چند مستمع، صاحب سخن را بر سر ذوق مي‌آورد، اما به نظر مي‌رسد بعضي از مدرسان دانشگاهي نيز شيوه‌هاي صحيح تدريس را نمي‌دانند و اين مساله در بروز بي‌انگيزگي دانشجويان بي‌تاثير نيست.

**علل دروني، علل بيروني**به طور خلاصه، مرور پژوهش‌ها نشان مي‌دهد كه وضعيت افت تحصيلي ناشي از دو دسته عوامل دروني و بيروني است. نبود تناسب بين ظرفيت فعلي دانشگاه‌ها و نيازهاي آتي بازار كار، آشنا نبودن اعضاي هيات علمي با نحوه انتقال درس و ارتباط با موقعيت رشته در بازار كار، مطرح نبودن مسائل پژوهشي و آموزش‌هاي كاربردي در دانشگاه و... از مهم‌ترين عوامل دروني دانشگاه‌ها در افت تحصيلي دانشجويان است.  
در اين ميان نبود اميد به آينده شغلي مناسب، كم بودن تعداد كارآفرينان، شهريه‌هاي سنگين دانشگاه‌ها، نبود ارتباط ارگانيك بين دوره‌هاي آموزش متوسطه و دانشگاهي و نبود روحيه رقابت و مشاركت جمعي در اجراي پروژه‌هاي علمي از جمله علل بيروني در اين پديده است.  
به هر حال كارگروه وزارت علوم بزودي بايد به نمايندگان مجلس پاسخ دهد كه علت اين افت تحصيلي چيست؛ افتي كه قطعا بار مالي سنگيني به وزارت علوم وارد مي‌كند و بر جايگاه علمي دانشگاه‌ های کشور بی تاثیرنخواهد بود.

جذب فارغ التحصیلان دانشگاهها و مراكز آموزش عالی كشور در بازار كار منوط به داشتن توانائیها و ویژگیهایی است كه بخشی از آنهــا می بایست در طول دوران تحصیل در دانشگاه ایجاد گردد. به نظر می رسد عدم تناسب بین فرایندها و مواد آموزشی رشته های تحصیلی موجود در دانشگاهها با مهارتها

و توانائیهای مورد نیاز بازار كار، مهمترین عامل موفق نبـــودن فارغ التحصیلان در كاریابی و اشتغال است. علاوه بر این مورد، برخی از عوامل بیــــرونی كه خارج از حوزه فعالیت و كنترل نظام آموزش عالی است نیز بر اشتغــــال فارغ التحصیلان تاثیر بسزایی دارند. در این مقاله چالشها و فرصتهای نظام آموزش عالی در تامین نیازهای مهارتی نیروی انسانی مورد نیاز بازار كار از دو بعد عوامــــل بیرونی و درونی مورد بحث و بررسی قرار می گیرد.

**عوامل درونی**؛

فرایندها و راهبردهایی هستند كه در نظام آموزش عالی به كــــار گرفته می شوند و به طور مستقیم یا غیرمستقیم با مقوله اشتغال و كاریابی فارغ التحصیلان ارتباط دارند. مهمترین این عوامل عبارتند از:   
1-  عدم تناسب بین ظرفیت فعلی پذیرش دانشجو در دانشگاه و نیازهای آتی بازار كار   
2-  عدم تناسب بین محتوای آموزش با مهارتهای شغلی  
3-  عدم توفیق دانشگاهها در ایجاد و تقویت روحیه علمی و انگیزه خدمت رسانی به جامعه در دانشجویان   
4-  مشخص نبودن حداقل قابلیتهای علمی و عملی برای فارغ التحصیل شدن   
5-  عدم آشنایی اعضای هیات علمی با فرایند و نحوه انجام امور در واحدهای تولیدی و خدماتی مرتبط با رشته مدیریت صنعتی  
6-  فقدان زمینه مناسب برای آموزشهای علمی و كاربردی  
7-  ناكارآمدی اعضای هیات علمی در تربیت نیروی كار متخصص مورد نیاز جامعه  
8-  مطرح نبودن مسائل علمی و پژوهشی به عنوان اولویت اول در دانشگاهها.

**عوامل بیرونی**؛

شامل كلیه مواردی می شوند كه بر اشتغال فارغ التحصیلان به طور مستقیم و غیرمستقیم تاثیر گذاشته و مانع از جذب آنها در بازار كار می گردند. این عوامل عبارتند از:

1 - رواج نیافتن و مشخص نبودن فرهنگ كاریابی

2 - عدم توسعه بنگاههای كاریابی خصوصی

3 - عدم توسعه كانونهای فارغ التحصیلان و ناكارآمدی آنها در كاریابی و هدایت شغلی

4 - تعدد متقاضیان و رقابت شدید برای كسب مشاغل موجود

5 - رواج نیافتن فرهنگ كارآفرینی و كم بودن تعداد كارآفرینان

6 - وجود مشكلات اجرایی در پیاده كردن سیاستها و برنامه های كلان اشتغال.   
  
**مقدمه**؛   
اكثركشورهای دنیا با مسائل و مشكلات اشتغال درگیرند ولی تعدد عوامل مشكل آفرین و ناشناخته بودن برخی از آنها در كشورهای جهان سوم موجب پیچیده تر شدن موضوع شده است. امروزه مدیریت كلان كشور به دنبال استفاده از روشهای علمی برای شناخت و كنترل عوامل مشكل آفرین در زمینه اشتغال و تبدیل چالشها به فرصتها برای شتاب دادن به حركت توسعه است.   
دانشگاهها و مراكز آموزش عالی عهده دار رسالتهایی چون تولید دانش، تربیت نیروی متخصص مورد نیاز جامعه، گسترش فناوری، نوآوری و خلاقیت هستند و امروزه صاحب نظران معتقدند دستیابی به توسعه پایدار فقط در سایه به كارگیری دانش روز و فناوری پیشرفته حاصل می شود. بنابراین، برای قرارگرفتن در جاده توسعه و جلوگیری از عقب ماندگی باید شرایطی فراهم شود كه دانشگاهها بتوانند دانشجویان را برای به كارگیری فناوری جدید و پذیرش مسئولیتهای مختلف در سطح سازمان و جامعه پرورش دهند. در این مقاله به منظور بحث و بررسی پیرامون چالشها و فرصتهای نظام آموزش عالی در تامین نیازهای مهارتی نیروی انسانی مورد نیاز بازار كار، عوامل موثر به دو گروه درونی و بیرونی تقسیم می شوند و سپس تشریح جزئیات هر گروه صورت می گیرد.

**عوامل درونی**؛  
عوامل درونی فرایندها و راهبردهایی هستند كه در نظام آموزش عالی به كار گرفته می شوند و به طور مستقیم یا غیرمستقیم با مقوله اشتغال و كاریابی فارغ التحصیلان ارتباط دارند. مهمتریـن عوامل درونی در زیر ذكر شده اند.   
1-  عدم تناسب بین ظرفیت فعلی پذیرش دانشجو در دانشگاهها و نیازهای آتی بازار كار:

براساس مطالعات انجام گرفته جمعیت جوان و فعال كشور تا سال 1400 بالغ بر 61 میلیون نفر

می شود و به عبارتی 2/5 درصد رشد خواهد داشت. پس سطح اشتغال نیز باید رشدی معادل 2/5 درصد در سال داشته باشد تا وضعیت فعلی حفظ شود. یعنی تا سال 1400 در ایران باید 29 میلیون فرصت شغلی ایجاد شود.   
براین اساس و باتوجه به اهمیت موضوع، دولت تدابیری را اتخاذ كرده است. به عنوان مثال، در برنامه سوم توسعه ایجاد حدود چهارمیلیون فرصت شغلی پیش بینی شده است. اما نكته ای كه در اینجا مورد نظر است عدم تناسب بین تعداد فرصتهای شغلی تخصصی ایجاد شده در جامعه و تعداد فــــارغ التحصیلان است. در ایران فقدان ارتباط نزدیك بین دانشگاهها و بخشهای مختلف جامعه موجب شده است كه بین ظرفیت پذیرش دانشجو و تقاضای بازار به نیروی متخصص تناسب وجود نداشته باشد كه علت آن عدم هماهنگی و انسجام در تصمیم گیری بین نظام آموزش عالی با سایر بخشهای جامعه به دلایلی چون: عدم وجود آمار واقعی، فقدان نگرش استراتژیك در بخشهای دولتی و خصوصی، ناتوانی مدیران در طرح ریزی و برآورد احتیاجات نیروی انسانی براساس استراتژی های كلان توسعه، عدم اجرای برنامه های میان مدت و بلندمدت جذب، اجرای سلیقـــه ای سیـاستهــــا و خط مشی ها و تغییر در برنامه های تدوین شده پس از هر تغییر در مدیریتهاست. ضمن اینكه دفتر گسترش آموزش عالی نیز در صورت تامین امكانات و استاد توسط مقامات محلی و بدون در نظر گرفتن وضعیت اشتغال در آینده برای ایجاد رشته تحصیلی مجوز صادر می كند. البته باتوجه به هدف و فلسفه وجودی دانشگاهها كه ارتقا سطح علمی و تغییر در نگرش و بینش عمومی مردم و تامین نیازهـــای جامعه به نیروی متخصص است، توسعه آموزش عالی دارای توجیه است. اما فارغ التحصیلان انتظار دارند كه با گرفتن مدرك تحصیلی موجبات اشتغال یا تسهیل شرایط اشتغال آنان فراهم آید. لذا پیشنهاد می شود تدبیری اتخاذ گردد كه اولا ظرفیت پذیرش دانشجو براساس نیاز آینده بازار كار به نیروی متخصص تعیین شود و ثانیاً مجوزهای ایجاد رشته تحصیلی در دانشگاه دائمی نباشد و با تغییر در كیفیت نیازهای جامعه و تخصصهای جدید، مشخصات مجوزهای صادره تغییر یابند.   
2-  عدم تناسب بین محتوای آموزش با مهارتهای شغلی:

یكی از مهمترین اهداف نظامهای آموزشی جوامع فراهم آوردن امكان ارائه آموزش متناسب با مهارتهای شغلی مورد نیاز جامعه است. بنابراین، در طراحی هر نظام آموزشی اثربخش، عوامل مهمی چون شرایط و ویژگیهای داوطلبان، محتوای دروس، تسهیلات و تجهیزات مورد نیاز، روشهای تدریس و غیره مدنظر قرار می گیرند.   
از طرف دیگر به هنگام طراحی مشاغل، شرح شغل و شرایط احراز (كه تعیین كننده ویژگیهای رفتاری، توانائیها و مهارتهایی هر شغل است) تنظیم می گردد. این مهارتها شامل مهارت فنی، مهارت انسانی، مهارت اداركی و آشنایی با رایانه هستند. ضمن اینكه داشتن توانائیهای ذهنی، فیزیكی و سطح تحصیلات و همچنین ویژگیهای رفتاری چون شخصیت، نوع نگرش، انگیزش و ارزشهای فردی نیز در اینجا مطرح هستند. مهارتها، استعدادهای بالفعل و توانائیهـا، استعدادهای بالقـوه تلقی می گردند.   
در حال حاضر، در آموزش عالی بیشتر سطح تحصیلات به عنوان یك توان یا استعدادهای بالفعل ایجاد می شود و این در حالی است كه فارغ التحصیلان برای صعود به قله اشتغال به مهارت نیز نیاز دارند.   
باتوجه به آنچه بیان شد بازبینی در سرفصلهای دروس دوره های آموزشی و تنظیم آنها براساس اطلاعات علمی (نظری) و عملی مورد نیاز رشته ها و زمینه های شغلی مرتبط با رشته تحصیلی مورد نظر و ایجاد هماهنگی و همسویی بین سرفصل دروس با شرایط احراز مشاغل مورد نظر ضروری به نظر می رسد.   
3-  عدم توفیق دانشگاهها در ایجاد و تقویت روحیه علمی و انگیزه خدمت رسانی به جامعه در

دانشجویان:

باتوجه به اینكه پایه و اساس دانشگاه را دو عامل مهم و اصلی یعنی دانشجو و استاد تشكیل می دهند علل عدم توانایی دانشگاهها در ایجاد روحیه علمی و انگیزه در دانشجویان را باید در ویژگیهای این دو عامل جستجو كرد.   
دانشجویان اكثراً روحیه علمی و انگیزه كافی ندارند و معمولاً به جای توجه به ارتقای سطح علمی خود فقط به ارتقای سطح تحصیلی (اخذ مدارج بالاتر) می اندیشند. لذا دانشگاهها باید به فراخور تغییرات در شرایط سنی، سطح اجتماعی و انتظارات جامعه از دانشجویان و همچنین تاثیراتی كه حضور در مراكز علمی در روند زندگی دانشجویان می گذارد، شیوه آموزشی و تربیتی را ارائه كنند كه در دانشجویان انگیزه و روحیه علمی ایجاد كند و این امر زمانی محقق می شود كه اعضای هیات علمی به عنوان یكی از دو عامل اصلی دانشگاه، دارای روحیه علمی و انگیزه خدمت رسانی باشند.   
بنابراین، پیشنهاد می شود ضمن انجام اقدامات بنیادی در خصوص تغییر در شیوه آموزش سنتی موجود، در جذب استادان، افرادی كه دارای روحیه علمی و دانش پژوهی هستند در اولویت قرار گیرند و از سوی دیگر، تدابیری نیز برای رفع مشكلات و تنگناهای اقتصادی اعضای هیات علمی اتخاذ گردد.   
4-  مشخص نبودن حداقل قابلیتهای علمی و عملی برای فارغ التحصیل شدن:

در نظام آموزش عالی گرفتن حداقل نمره قبولی پیش شرطی برای اخذ مدرك فارغ التحصیلی است. شرایط نامساعد اشتغال از یك طرف و تمیز قائل نشدن بین فارغ التحصیلان از نظر توانمندی علمی و عملی در زمان جذب از طرف دیگـــر، سبب بی انگیزه شدن و از بین رفتن علاقه مندی جمع كثیری از دانشجویان به ویژه در مقطع كارشناسی به فراگیری دروس نظری و فعالیتهای عملی شده است. این شرایط سبب پرورش و تولید فارغ التحصیلانی می شود كه دارای روحیه علمی نیستند و در عین ناتوانی در كسب مدارج علمی بالاتر، روحیه كارآفرینی و یافتن كسب و كار مناسب را ندارند.   
تجربه برگزاری امتحان جامع و ارزیابی دانشجویان در برخی رشته ها (رشته های پزشكی) و مشروط شدن ادامه تحصیل آنان به اخذ نمره قبولی، سبب ورود متخصصان و پزشكانی به جامعه شده كه هم در بحث خدمات درمانی و هم در ادامه تحصیل موفق تر بوده اند. بنابراین، ضروری است همان طور كه برای هر درس سرفصل آموزشی به صورت استاندارد تعریف شده، معیارهایی نیز برای ارزیابی فارغ التحصیلان به منظور مشخص كردن حداقل دانش نظری و توان عملی آنان به صورت استاندارد برای رشته مدیریت صنعتی تعریف شود و براساس آن فارغ التحصیلان ارزیابی شوند.   
5-  عدم آشنایی اعضا هیات علمی با فرآیندها و نحوه انجام امور در واحدهای تولیدی و خدماتی مرتبط با رشته مدیریت صنعتی؛ عدم آشنایی اعضای هیات علمی با فرآیندهای عملی انجام امور اجرایی مرتبط با رشته مدیریت صنعتی به چند عامل ارتباط دارد:  
- در فرآیند چندساله پرورش یك عضو هیات علمی به علت فقدان ارتباط موثر بین دانشگاه با واحدهای مرتبط به رشته تحصیلی دانشجو و عدم امكان ایجاد واحدهای مشابه محیطهای كاری در دانشگاهها زمینه آشنایی دانشجویان با مهارتهای فنی و عملی مهیـا نمی شود؛   
-  كم اهمیت تلقی شدن واحدهای درسی عملی، عملیات دانشجویی، دروس آزمایشگاهی و كارگاهی و به ویژه دوره های كارآموزی و پروژه های درسی؛  
- حاكم بودن روابط و تفاوت قائل نشدن بین فارغ التحصیلان تلاشگر و فعال علمی با سایر افراد به هنگام جذب و عدم توجه به توانمندیهای فنی و عملی آنها. پیشنهـــاد می شود در داخل دانشگاه نیـز به منظور آشنایی بیشتر اعضای هیات علمی با فعالیت بخشهای مرتبط با تخصص آنها، با اهمیت تلقی كردن پروژه ها و واحدهای عملی درسی و دوره های كارآموزی، تعیین ضوابط جدید برای پذیرش دانشجویانی متناسب با رشته تحصیلی و مطرح شدن سطح اطلاعات و آگاهی عملی و كاربردی در جذب و ارتقای اعضای هیات علمی اقداماتی صورت پذیرد.   
6-  فقدان زمینه مناسب برای آموزشهای علمی - كاربردی:

در حال حاضر در دانشگاهها انتقال دانش بیشتر به صورت نظری و در قالب تعاریف، تئوری ها و اصول در كلاس انجام می پذیرد و به واحدهای عملی نیز اهمیت چندانی داده نمی شود. علی رغم ایجاد برخی رشته ها در دانشگاه جامع علمی - كاربردی و همچنین ایجاد مراكز آموزش علمی - كاربردی با همكاری و سرمایه گذاری موسسات، واقعیت این است كه بسترسازی مناسبی برای اجرای برنامه های آموزشی علمی - كاربردی صورت نگرفتـه و بعضاً دچار بیماری تئـــوری زدگی شده اند.   
فقدان زمینه مناسب برای علمی - كاربردی كردن آموزش در دانشگاهها از سه بعد قابل بررسی است.   
الف - عدم برنامه ریزی در نظام آموزش عالی برای تامین، تربیت و جذب نیروی متخصص مربی؛   
ب - كمبود بودجه دانشگاهها در تامین فضا، تاسیسات، تجهیزات، امكانات و وسایل كمك آموزشی، اردوها و بازدیدهای علمی؛   
ج - بی انگیزگی دانشجویان برای فراگیری دروس عملی به دلیل عدم اطمینان به موثر كاربردی بودن واحدهای عملی در زمان كاریابی یا در حین اشتغال.

بنابراین، پیشنهاد می شود با توجه به نیاز به سرمایه گذاری برای اجرای برنامه های آموزشی علمی - كاربردی، دولت و به ویژه سازمان مدیریت و برنامه ریزی عنایت بیشتری به بودجه بخش آموزش داشته باشند و درصدی از درآمد یا سود بخشهای مختلف جامعه را كه مصرف كننده ستاده های نظام آموزشی هستند به دانشگاهها به منظور تامین امكانات و تجهیزات لازم اختصاص دهند.   
7- ناكارآمدی اعضای هیات علمی در تربیت نیروی متخصص مورد نیاز جامعه:

زمانی كه بحث تربیت مطرح می شود هدف هدایت دانشجویان است. به عبارت دیگر، استادان باید در ابعاد مختلف فكری، احساسی، اخلاقی، معنوی، اجتماعی و حتی سیاسی دانشجویان را هدایت كنند. اما آنچه كه در حال حاضر در بیشتر كلاسهای درس و در سطوح مختلف در دانشگاهها مشاهده می شود انتقال مطالب علمی و نظریه های از پیش ثابت شده یا نكات خاصی از ذهن استاد به ذهن دانشجو است كه پس از اتمام فرآیند انتقال اگر استاد بدون توجه به بی علاقگی دانشجویان، برانجام امتحان یا پرسش و پاسخ در جلسات بعد تاكید ورزد دانشجو ناگزیر به مطالعه وحفظ مطالب به منظور پاسخگویی می شود و اگر تراكم زیاد جمعیت كلاس درس و محدودیتهای زمانی مانع از اجرای پرسش و پاسخ یا ارزیابی توسط استاد شود حفظ كردن مطالب فقط در زمان امتحانات صورت می پذیرد.   
در بررسی علل ناكارآمدی اعضای هیات علمی باتوجه به هدفهای آموزش عالی نقش سه عامل برجسته تر به نظر می رسد؛   
الف - ضعف سیستم تحصیلات تكمیلی آموزش عالی در ارتقای سطح علمی دانشجویان؛   
ب - ضعف آموزش عالی در تجهیز اعضای هیات علمی به اصول روانشناختی و تربیتی و شیوه های نوین تدریس؛   
ج - تراكم بیش از حد دانشجو در كلاسها و عدم رعایت استانداردهای آموزشی.

به طور كلی می توان گفت اگر اعضای هیات علمی دارای روحیه علمی، اهل مطالعه، توانمند و آشنا به مباحث روز رشته مدیریت صنعتی باشند و از طرفی نسبت به شیوه های نوین تدریس آگاهی كافی داشته باشند مطمئنا در تدریس موفق بوده و اهداف تربیتی تا حدودی زیادی در دانشگاه محقق خواهد شد. بنابراین، آموزش عالی باید نسبت به شناسایی و جذب افراد مستعد و نخبه اقدام كرده و سیاستها و برنامه هایی را برای آشنایی آنها با اصول و فلسفه تعلیم و تربیت و شیوه های نوین تدریس، تحقیق و شیوه آموزش مبانی علوم تدوین و اجرا كند.  
8-  مطرح نبودن مسائل علمی و پژوهشی به عنوان اولویت اول در دانشگاه: تحت تاثیر شرایط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جامعه برخی از اعضای هیات علمی نگرش اقتصادی به كار داشته و بیشتر در پی كسب درآمد هستند، تعدادی هم با هدف كسب قدرت و جایگاه اجتماعی بالاتر به تصدی گری امور و در اختیارگرفتن مدیریت ها و عضویت در احزاب، تشكلها و انجمنهای مختلف اقدام می كنند و برخی هم با نیت اصلاح امور و خدمت رسانی به مردم و محرومان جامعه وارد فعالیتهای سیاسی و اجتماعی شده از فعالیتهای علمی و پژوهشی باز می مانند.   
دانشجویان به عنوان عامل دیگر تشكیل دهنده دانشگاه با انگیزه هایی چون فراهم شدن زمینه اشتغال در آینده، ارضای تمایلات و هیجانات روحی و گاهی هم به منظور مطرح شدن در بین دانشجویان به فعالیتهای سیاسی و دیگر فعالیتهای دانشجویی غیردرسی می پردازند و البته برخی هم با قرارگرفتن در فضای باز دانشگاه اسیر ارضای تمایلات نفسانی خود می شوند. در هر صورت در سنوات اولیه به علت عدم آگاهی كافی و غلبه هیجانات و احساسات بر منطق، قسمت عمده انرژی دانشگاهیان صرف انجام فعالیتها و درگیریهای سیاسی و دیگر فعالیتهای اجتماعی، شخصی غیردرسی و غیرعلمی می شود و این امر سبب می گردد مسائل آموزشی و پژوهشی در دانشگاه به عنوان اولویت اول مطرح نباشد. بنابراین، پیشنهاد می شود ترتیبی اتخاذ گردد كه دانشگاهها در جایگاه اصلی خود به عنوان مراكز مستقل تولیدكننده دانش و علم قرار گیرند و حریمی برای آنها تعریف شود كه مانع از نفوذ، سوء استفاده و بهره برداری سیاسی گروههای ذی نفوذ شود.   
  
**عوامل بیرونی**؛   
عوامل بیرونی شامل كلیه مواردی می شوند كه بر اشتغال فارغ التحصیلان به طور مستقیم و غیرمستقیم تاثیر گذاشته و مانع از جذب آنها در بازار كار می گردند. مهمترین عوامل بیرونی در ذیل آورده شده اند.   
1- مشخص نبودن و رواج نیافتن فرهنگ كاریابی:

علیرغم تحولات فرهنگی - اجتماعی جامعه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی هنوز بافت سنتی در بیشتر مناطق كشور حاكم بوده و اشتغال در سازمانهای دولتی و كسب مشاغل لوكس اداری، اشتغال به كار در پایتخت و مراكز استانها، اشتغال در شهرهای خوش آب و هوا، اشتغال در شركتهای پردرآمد با مزایای بالا و یافتن شغل مناسب در شهر محل سكونت به منظور نزدیك بودن به خانواده از معیارهایی هستند كه معمولاً فارغ التحصیلان جامعه ما در زمان كاریابی به آنها توجه دارند و به آنها اولویت می دهند و خانواده ها بر یافتن شغل دولتی در محل سكونت برای فرزندانشان و حفظ خانواده به شكل هسته ای با هدف تامین امنیت خانواده تاكید می ورزند.   
مجموعه این عوامل و دیگر متغیرها باعث تراكم فارغ التحصیلان بیكار در یك منطقه و اشتغال بی سوادان و غیرمتخصصان در مناطق دیگر به دلیل عدم حضور نیروهای متخصص شده است. هرچند بیكاری و فشار اقتصادی شدید باعث مهاجرت فارغ التحصیلان برای یافتن شغل خواهد شد لیكن پیشنهاد می شود ضمن ترویج و توسعه فرهنگ كارآفرینی در دانشگاهها و تشویق كارآفرینان، دولت در مناطق محروم و دورافتاده و بدآب و هوا تسهیلاتی را فراهم آورد تا فارغ التحصیلان با این امید كه پس از چند سال كار با سرمایه مناسب می توانند به محل مورد علاقه خود بازگردند به دنبال كاریابی در این مناطق باشند.   
2- عدم توسعه بنگاههای كاریابی خصوصی:

پس از پیروزی انقلاب اسلامی علی رغم تمهیدات درنظر گرفته شده در قانون اساسی در خصوص تقسیم ساختار اقتصادی ایران به سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی متاسفانه به دلیل سوء استفاده بخش خصوصی در شرایط بحرانی سالهای اولیه به ویژه در زمان جنگ و تمایل نیروهای ذی نفوذ به در اختیار گرفتن و انحصاری كردن خدمات در بخش دولتی با هدف افزایش قدرت نفوذ خود، به بیشتر دولتی شدن امور منجر گردید كه این قضیه اشتغال را نیز تحت تاثیر قرار داده و آن را دولتی كرد. این موضوع امكان فعالیت و قدرت رقابت بنگاههای كاریابی خصوصی را سلب كرد و مانع ایجاد و توسعه این بنگاهها گردید.   
عدم كارایی بخش دولتی و ضرر و زیانهای وارده به كشور و تحولات ایجاد شده در اقتصاد جهانی توجه مسئولان را به خصوصی سازی بخشهای اقتصادی معطوف ساخته است. اما وجود قوانین و ضوابط اداری دست و پاگیر، قانون كار و برخی قوانین بیمه ای همچنان موانعی را در مسیر ایجاد و توسعه واحدهای تولیدی و بنگاههای اقتصادی كوچك و بزرگ قرار داده و موجب كاهش جابجایی و جایگزینی نیروی كار در بین بخشهای مختلف اقتصادی جامعه و به حداقل رسانیدن فعالیت بنگاههای كاریابی خصوصی و نهایتاً تعطیلی آنها به دلیل غیراقتصادی بودن فعالیتهایشـان می شود.   
3- بدین خاطر همگام با خصوصی سازی بخشهای مختلف اقتصادی و به تناسب آن باید اصلاحاتی نیز در قوانین و مقررات مربوط به نحوه جذب و نگهداری نیروی كار نیز به وجود آید تا امكان فعالترشدن بنگاههای كاریابی خصوصی فراهم گردد.   
4- عدم توسعه كانونهای فارغ التحصیلان و ناكارآمدی آنها در كاریابی و هدایت شغلی:

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و به ویژه در دهه 60 كانونها، انجمنها و تشكلهای مختلفی از جمله كانونهای فارغ التحصیلان با هدف افزایش قدرت نفوذ و حضور فعال تر تحصیلكرده ها درجامعه و ایجاد بستر مناسب برای فراهم آمدن زمینه اشتغال اعضای آنها تاسیس شدند. بررسی اجمالی چگونگی ایجاد و روند كار این نهادهای غیردولتی نشان می دهد در گذشته، جامعه و به ویژه برخی از مسئولان توانایی پذیرش قدرت نمایی چنین نهادهایی را نـداشته اند و از سوی دیگر، اعضا دارای تجربه كافی در زمینه فعالیتهای تشكیلاتی و مشاركتی نبودند كه این امر سبب اختلال در روند فعالیت كانونها شده و با گذشت زمان و تحت تاثیر تغییر و تحولات جامعه، كاركرد این كانونها تغییر یافته بعضاً منحل و برخی نیز در حالت ركـــود و با حداقل فعالیت به راه خود ادامه داده اند.   
امروزه با ایجاد نهادهای غیردولتی جدید مانند سازمانهای نظام مهندسی صنایع و دیگر رشته های كاری عملاً فارغ التحصیلان جذب این گونه سازمانها می شوند و این سازمانها باتوجه به ابزارهایی كه در اختیار دارند می توانند در بسترسازی برای اشتغال اعضای خود به نحو موثرتری فعالیت كنند.   
5- تعدد متقاضیان و رقابت شدید برای كسب مشاغل موجود:

عدم توجه به روستاها و مناطــق محروم توسط رژیم پهلوی به گسترش بی سوادی و فقر فرهنگی در این مناطق منجر شد. ضرورت ارتقای سطح فرهنگی، شعار محرومیت زدایی انقلابیون و تمركززدایی دولت، انتظار مردم از دولت برای توسعه همه جانبه مناطق، شعار انجام اقدامات عمرانی و توسعه ای فعالان سیاسی در مناطق مختلف، حكومت مركزی و به ویژه وزارت فرهنگ و آموزش عالی را مجبور ساخت نسبت به توسعه آموزش عالی و تاسیس مراكز آموزشی در مراكز استانها و برخی از شهرستانها اقدام كند كه این امر به افزایش تعداد فارغ التحصیلان منجر گردید.   
از سوی دیگر، تمركز سازمانها، صنایـــع و بنگاههای اقتصادی كوچـــك و بزرگ در كلان شهرها و مراكز استانها سبب شد فـــــارغ التحصیلان سایر مناطق با تصوریافتن مدینه فاضله راهی این شهرها شده و با اضافه شدن به دیگر متقاضیان كار عرصه رقابت را تنگ تر و فشرده تر كنند. ضمن اینكه محدود بودن تعداد فرصتهای شغلی و وجود تعداد زیاد متقاضیان كار، باعث ایجاد رقابت شدید بین آنها شده است. بنابراین، دولت باید در واگذاری امتیاز تاسیس بنگاههای اقتصادی كوچك و بزرگ، ضمن در نظر گرفتن سایر شرایط توجه بیشتری به تعداد فارغ التحصیلان بیكار مناطق مختلف داشته باشد.   
6-  رواج نیافتن فرهنگ كارآفرینی و كم بودن تعداد كارآفرینان:

وجود جمعیت عظیم جوان و تحصیلكرده اما بیكار در سطح جامعه، از یك طرف به عنوان سرمایه اقتصادی و از طرف دیگر به عنوان تهدیدی جدی و بالقوه در ایران مطرح است. متاسفانه علی رغم اهمیت و نقش كارآفرینی، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران به علت دولتی شدن امور و مشكلات و تنگناهای دولت، مقوله كارآفرینی مورد توجه نبوده، لذا فرهنگ كارآفرینی رواج چندانی نیافته و به عبارتی ناشناخته مانده است.   
از دیدگاه بسیاری از صاحب نظران، كارآفرینی موتور توسعه اقتصادی جامعه است. بنابراین، حذف موانع دولتی موجود در مقابل فعالیتهای تولیدی و اجرای سیاستهای تشویقی و حمایتی از كارآفرینان و فراگیرشدن فرهنگ كارآفرینی می تواند این تهدیدها را به فرصت تبدیل كرده و به تحول اقتصاد ملی ایران منجر شود.   
از سوی دیگر، بررسی اجمالی كشورهای صنعتی و فراصنعتی نشان می دهد كه بخش عمده ای از برنامه های آموزشی دانشگاهها در این كشورها به آموزش كارآفرینی اختصاص دارد. وجود بیش از 50 دانشگاه در آمریكا، 42 دانشگاه در آلمان، 13 دانشگاه در لهستان و 8 دانشگاه در سوئد و... كه در آنها كارآفرینی و مدیریت واحدهای كوچك اقتصادی تدریس می شود حاكی از درك نقش كارآفرینی و اهمیتی است كه در این كشورها برای كارآفرینان در فرایند توسعــه اقتصادی قائل می شوند.  
در ایران نیز طی دو سال اخیر نسبت به ایجاد مراكز كارآفرینی در بیش از 15 دانشگاه اقدام شده كه به جز چند دانشگاه بقیه فعالیت چندانی نداشته اند كه این امر حكایت از عدم توفیق دولت در فرهنگ سازی در این زمینـه می كند. بنابراین، برای فراگیرشدن فرهنگ كارآفرینی، باید تغییراتی در سیستم آموزشی و محتوای دروس مدارس و دانشگاهها داده شود و افرادی در راس امور قرار گیرند كه علاقه مند به ایجاد و توسعه فعالیتهای تولیدی بوده و شرایط مناسب را برای ظهور كارآفرینان فراهم سازند.   
7- وجود مشكلات اجرایی در پیاده كردن سیاستها و برنامه های كلان اشتغال كشور:

ارزیابی برنامه های اشتغال زایی دولتهای گذشته در ایران نشان می دهد علی رغم تلاش و جدیت آنها در تدوین برنامه های بلندمدت اشتغال، این برنامه ها مانند سایر برنامه های اقتصادی - اجتماعی در اجرا با مشكلات متعددی مواجه بوده است كه این عدم موفقیت از چند بعد قابل بررسی است:   
الف - نحوه تدوین سیاستها و خط مشی ها:

بررسی اجمـــــــالی نحوه تصمیم گیری و خط مشی گذاری در كشور، وجود ناهماهنگی و اختلاف نظر بین قانونگذار و مجری را نشان می دهد. تمركز تصمیم گیری در پایتخت و مجرب نبودن بدنه كارشناسی دولت مركزی مانع از بررسی دقیق و كالبد شكافی مسائل و توجه به واقعیتهای محلی و منطقه ای توسط كارشناسان می شود. لـذا بعضاً تصمیمها و برنامه هایی اتخاذ و تدوین می شوند كه باتوجه به شرایط زمانی و مكانی قابل اجرا نبوده و یا اجرای آن با مشكل مواجه است.   
ب - عدم نظارت و ارزیابی در اجرای برنامه ها:

فقدان نظارت یا نظارت كم بر اجرای دقیق برنامه ها شرایط را برای سوء استفاده مجریان و بنگاههای اقتصادی فراهم آورده است. ضمن اینكه عدم اجرای ارزیابیها، نقاط ضعف خط مشی ها را به تصویر نمی كشد و قانونگذار از نتیجه تصمیم های خود مطلع نشده و نسبت به رفع نواقص اقدامی صورت نمی گیرد و همچنـان مشكلات در اجرای برنامه ها باقی می مانند.

**نتیجه گیری**؛  
باتوجه به تعدد عوامل موثر بر اشتغـال فارغ التحصیلان رشته مدریت صنعتی باید برای حل این معضل از كلیه سازمانهای مرتبط به منظور تهیه و اجرای یك طرح جامع و فراگیر در زمینه اشتغال استفاده شود. آنچه كه در تدوین طرح فوق باید مدنظر قرار گیرد توجه به عوامل اصلی موثر بر اشتغال فارغ التحصیلان رشته مدیریت صنعتی و مسئولیت دادن به سازمانهای مرتبط با آن است.   
در این مقاله، برخی از عوامل موثر بر اشتغال فارغ التحصیلان رشته مدیریت صنعتی مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به بررسی های به عمل آمده و مباحث مطروحه موارد زیر به عنوان نتیجه گیری و همچنین به عنوان یك چهارچوب بنیادی برای تدوین طرح جامع اشتغال فـارغ التحصیلان این رشته ارائه می گردد.   
- در بخش تامین اجتمـــــاعی و رفاه عمومی به نحوی برنامه ریزی شود كه افراد فقط با هدف كسب علم و دانش وارد دانشگاه شوند؛   
- ظرفیت پذیرش دانشجو براساس نیاز آینده بازار كار به نیروی متخصص تعیین شود؛   
- مجوزهای ایجاد این رشته تحصیلی در دانشگاه موقتی باشد و متناسب با زمان و شرایط تغییر كند؛   
- سرفصلهای دروس دوره های آموزشی براساس زمینه های شغلی مرتبط بازبینی و تنظیم شوند؛   
- بین سرفصل دروس با شرایط احراز مشاغل مورد نظر هماهنگی و همسویی ایجاد شود؛   
- اقدامات بنیادی در خصوص تغییر در شیوه آموزش موجود انجام گیرد؛   
- جذب استادان دارای روحیه علمی و دانش پژوهی در اولویت قرار گیرند و از سوی دیگر، تدابیری نیز برای رفع مشكلات و تنگناهای اقتصادی اعضای هیات علمی اتخاذ گردد؛   
- برای ارزیابی فارغ التحصیلان، معیارهایی كه نمایانگر حداقل دانش نظری و توان عملی آنان هستند به صورت استاندارد برای این رشته تحصیلی تعریف شود؛   
- ارتباط دانشگاه با بخشهای اجرایی تقویت گردد؛   
- در پذیرش دانشجویان، متناسب بودن شرایط دانشجو با این رشته تحصیلی مدنظر قرار گیرد؛   
- بودجه بخش آموزش عالی تقویت شود و درصدی از درآمد یا سود بخشهای مختلف جامعه كه مصرف كننده ستاده های نظام آموزشی هستند به دانشگاهها به منظور تامین امكانات و تجهیزات لازم اختصاص داده شود؛   
- آموزش عالی باید سیاستها و برنامه هایی را برای شناسایی و جذب افراد مستعد و نخبه و آشنایی آنها با اصول و فلسفه تعلیم و تربیت و شیوه های نوین تدریس، شیوه های تحقیق و شیوه آموزش مبانی علوم تدوین و اجرا كند؛   
- دانشگاهها و مراكز آموزشی در جایگاه اصلی خود قرار گیرند و حریمی برای آنها تعریف شود كه مانع از نفـوذ، سوء استفاده و بهــــــره برداری سیاسی گروههای ذی نفوذ گردد؛   
- ترویج و توسعه فرهنگ كارآفرینی در دانشگاهها و تشویق كارآفرینان؛   
- فراهم آوردن تسهیلات در مناطق محروم دورافتـــــاده و بدآب و هوا به نحوی كه فـارغ التحصیلان به دنبال كاریابی در این مناطق باشند؛   
- انجام اصلاحات در قوانین و مقررات مربوط به نحوه جذب و نگهداری نیروی كار به منظور فراهم آوردن امكان فعالیت بنگاههای كاریابی خصوصی؛   
- استفاده از توانمندیهای نهادهای غیردولتی جدید مانند سازمانهای نظام مهندسی صنایع، در بسترسازی برای اشتغال فارغ التحصیلان؛   
- برنامه ریزی برای ایجاد مراكز كارآفرینی و حركت دولت برای فرهنگ سازی در این زمینه؛   
- نظارت بر اجرای دقیق برنامه ها به نحوی كه از سوء استفاده مجریان و بنگاههای اقتصادی جلوگیـری به عمل آورده و امكان اجرای سلیقـه ای برنامه های اشتغال را از مجریان سلب كند.   
  
**تجربه زندگی روزمره دختران دانشجو: مسائل و چشم اندازها**  
توضیح: مرکز مطالعات زنان دانشگاه تهران همایشی یک روزه با عنوان ” بررسی علل و پی آمد های فزونی دختران در دانشگاه»  برگزار کرد. این همایش روز سه شنبه اول خرداد 1386 ساعت 8:30 تا 17:30 بعدازظهر در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران( زیر پل گیشا)  تشکیل شد و خبر آن پیشتر بر روی همین پایگاه آمد. در زیر خلاصه ای از سخنرانی ناصر فکوهی را می خوانید. اصل این مقاله در مجله پژوهش زنان( دفتر مطالعات زنان) منتشر شده است.    
پیش از هر چیز لازم است ضمن قدردانی از برگذار کنندگان این همایش که فرصتی برای بحث و تبادل نظر در این زمینه را فراهم کردند‏ انتقادی را نیز مطرح کنم که در بخش نخست سخنانم به آن خواهم پرداخت. عنوان این همایش با استفاده از مفهوم “بررسی علل و پی آمدها“‏ برای برخی از دانشجویان و اساتید این فکر را القا کرده بود که شاید به پدیده بالا رفتن شمار دختران در محیط دانشگاه‏ به مثابه نوعی آسیب اجتماعی نگاه شود‎، که امیدواریم این تلقی کاملا نادرست باشد.  
اصولا نگاه به واقعیات اجتماعی و به خصوص چنین واقعیتی با چنین نگاهی خود نوعی آسیب است که باید به تحلیل آن پرداخت. این نکته از آن رو حائز اهمیت است که ظاهرا امروزه گروهی از کارشناسان از کاهش رقم دختران در ورود به دانشگاه از طریق سیستم های سهمیه بندی جنسی دفاع می کنند که بسیار زیان بار و غیر قابل پذیرش هستند و من نیز ترجیح می دهم از همین موضوع بحث خود را آغاز کنم.   
ابتدا باید توجه داشته باشیم که پدیده افزایش شمار دختران در دانشگاه ها ‏پدیده ای ایرانی نیست و در اکثر کشورهای جهان اتفاق افتاده است. واقعیت آن است که با اجتماعی شدن هر چه بیشتر زنان‏ تحصیل در سطوحی هر چه بالاتر بدل به ارزش و سرمایه ای اجتماعی شده است و این امر نیازی رو به افزایش را در جوامع انسانی به وجود آورده است که خود را همگام با بالا رفتن توسعه یافتگی در افزایش رقم دانشجویان و تحصیلکردگان زن نیز نشان می دهد. این افزایش به ویژه در رشته های علوم انسانی قوی تر است و این نیز پدیده ای جهانی است و لزوما ربطی به ایران ندارد. اما اینکه چنین پدیده ای را به خودی خود نوعی آسیب اجتماعی تلقی کنیم و تلاش کنیم برای آن راه حل های کاربردی بیابیم‏ موضوعی است که از ابعاد مختلف می توان آن را به زیر سوال برد.   
پرسش اول آن است که آیا میان پدیده اجتماعی پدیده اجتماعی شدن زنان و سنت ها و عرف اجتماعی تضاد و اختلافی وجود دارد؟ و اگر چنین اختلافی هست آیا راه حل آن کاهش شمار دختران به شکل مکانیکی در دانشگاه هاست؟   
در مورد اول باید گفت که تقابل میان زن/ مرد به مثابه دو موقعیت درونی/ برونی و یک تقسیم کار  خانگی / کار معیشتی ‏تقسیم کاری نیست که لزوما به سنت ما تعلق داشته باشد. در سنت جوامع مختلف ایرانی از اقوام مختلف زنان همواره همان اندازه در خانه کار می کرده اند که در امور معیشتی دخالت داشته اند. از این گذشته جماعت های ایرانی لزوما مرد سالارانه تر از جوامع مشابه خود در کشورهای دیگر از جمله اروپا و آمریکا نبوده اند. این یک واقعیت است که مرد سالاری سیستمی جهانی است که ساختارهای جهان کنونی را تعیین کرده و آن را به بن بست کشانده است و در تمام جوامع وجود دارد. اما این نیز یک واقعیت است که سنت های موجود در جامعه ما همان اندازه که ممکن است از این مردسالاری تاثیر پذیرفته باشند‏ منابعی نیز برای بالا بردن نقش زن در جامعه دارند که باید از آنها استفاده کرد. هم از این رو این گفتمان که ما به ازای اجتماعی شدن زنان و تحصیلات آنها را به طور خود کار در شکننده شدن نهاد خانواده و سیستم های تربیتی جامعه عنوان می کند‏ چندان معنا و پایه ای ندارد. نیاز به تحصیل به مثابه یک ارزش اجتماعی ( صرف نظر از جنبه آسیب شناسانه این موضوع که نه به زن یا مرد بودن بلکه به قطع رابطه سیستم دانشگاهی با بازار کار مربوط می شود) در جامعه ما روندی صعودی دارد. و هرگونه تلاش برای جلوگیری مکانیکی از آن از طریق  سهمیه بندی های جنسیتی نه تنها غیر عادلانه است بلکه غیر کارا نیز هست، زیرا سبب می شود که بلافاصله دخترانی که بدین ترتیب از تحصیل محروم می شوند به سوی مدارس عالی و دانشگاه های خصوصی هدایت شوند که امکان دارد از کیفیت پایین تری برخوردار باشند. از این گذشته این اقدام سبب ضربه خوردن به دخترانی می شود که فاقد در آمد و امکانات مالی بالا باشند. به عبارت دیگر ما با این کار صرفا محرومترین بخش از جامعه را باز هم محروم تر خواهیم کرد.   
اما اگر به بحث خودم باز گردم و درباره روزمرگی در دانشگاه و برای دختران سخن بگویم. باید این امر را کاملا در چارچوب مرد سالارانه ای قرار داده و تحلیل کنم که خود را نه تنها به روابط بلکه حتی به فضا ها نیز منتقل کرده است. دانشگاه های ما فضاهایی کاملا مردانه هستند که دختران در آنها احساس امنیت و آسایش لازم را نمی کنند. این امر به خصوص در چارچوب زندگی روزمره اهمیت دارد زیرا چارچوب اصلی موقعیت های فرهنگی کنونی در جوامع مدرن زندگی روزمره و سبک زندگی است. دانشگاه ها به مثابه فضاهای مختلطی که پس از دورانی طولانی از جدا سازی جنسیتی جوانان به آن قدم می گذارند هر چند برای پسران طراحی شده اند ولی عملا باید پذیرای دخترانی باشند که در رفتارهای خود دچار سردرگمی هویتی هستند. این سردرگمی در بررسی که ما به انجام رسانده ایم و  به طور تفصیلی در مقاله خواهد آمد به گروه بزرگی از روابط مربوط می شود. که عمدتا می توان آن را از یک سو در رابطه دختران به عنوان کنش گران اصلی با سایر دختران و پسران دانشجو‏، با اساتید و کادر اداری دانشگاه تعریف کرد‎، و از طرف دیگر در رابطه دختران با خانواده هایشان پیش‏ در طول و پس از فراغت از تحصیل.  
آنچه بیشترین فشار را بر دختران در طول  مدت تحصیل وارد می کند‏‏‏‏،‏ احساس نوعی نابرابری است که به باور آنها میان ایشان و پسران وجود دارد. دختران از لحاظ عددی در برخی از رشته ها از جمله در علوم انسانی اکثریت عددی دارند و در برخی دیگر به ویژه رشته های مهندسی‏ ‏ در اقلیت هستند . اما در هر دو مورد دو واقعیت دائما به آنها موقعیت فروتر اجتماعی شان را نشان می دهد و سبب بازتولید ساختارهای مرد سالارانه می شود: نخست نبود چشم انداز برای اشتغال و ورود واقعی به جامعه به مثابه یک زن تحصیلکرده و دیگری نبود اساتید زن که به خودی خود گویای  نابرابری در سیستمی است که در آن اکثریت عددی در یک سطح ( دانشجویی) غیر حرفه ای در برابر خود اقلیت عددی را درسطح دیگر (هیئت علمی) حرفه ای در تقابل می بیند. افزون بر این دختران اغلب  موضوع پیش داوری هایی هستند که ناشی از  موقعیت های سخت تری در کنترل کالبدی است:  سخن گفتن با دیگران‏ رفتارهای کاملا پیش پا افتاده ‏ خندیدن ‏ نشستن یا ایستادن در جایی و غیره همگی  به نوعی تعبیر از جانب پسران و حتی دختران دیگر می کشد که به مثابه نوعی فشار روانی بر دختران وارد می آید. افزون بر این، همین کنترل کالبدی سبب می شود که دختران به صورت خود آگاه یا ناخود آکاه و خواسته یا ناخواسته خود را قربانی نوعی پیش داوری دیگر نیز ببینند که رفتار آنها با اساتید است‏ در حالی که پسران در این امر همواره خود را در موقعیت برتر می یابند. همین امر درکل فعالیت های دانشگاهی بارز است و دختران خود را قربانیان شرایطی می بینند که پسران برغم ( و بیشتر شاید به برکت) رقم کوچکتر خود‏ می توانند دست به باز تولید سخت موقعیت های برتری مردانه خود در روابط  درون دانشگاهی بزنند.  
چارچوب دیگر روزمرگی در دانشگاه رابطه با خانواده است. دختران پیش از ورود به دانشگاه همچون دیگر دانش آموزان زیر فشار خرد کننده کنکور قرار می گیرند اما بنا بر مورد خانواده ها واکنش های  متفاوتی در مورد آنچه باید دراین موقعیت انجام دهند بنا بر دختر یا پسر بودن نشان می دهند. اغلب خانواده ها ظاهرا چندان توهمی نسبت به اشتغال بعدی دختران ندارند و به تحصیل صرفا به مثابه نوعی سرمایه اجتماعی نگاه می کنند اما همین امر سبب می شود تلاش کنند بر انتخاب دختران در  هدف گیری های تحصیلی شان تاثیر گذاری کرده و گاه حتی آنها را وادار به انتخاب رشته هایی بکنند که چندان تمایلی بدان ندارند. اما موضوع به اینجا ختم نمی شود زیرا رابطه خانوادگی برای دختران دانشجو در تمام طول تحصیل و پس از آن همچنان به مثابه عامل و ابزاری  الزام آور تداوم می یابد که دختران را وا می دارد هر چه بیشتر دست به کنترل کالبدی خود بزنند. این امر درباره دخترانی که شهرهای کوچک دور دست به شهرهای بزرگ می آیند بسیار بیشتر است و در بسیاری موارد سبب می شود که فارغ التحصیلان پس از اتمام تحصیل تمایلی به بازگشت به شهر خود را نداشته و اگر این بازگشت انجام بگیرد نیز اغلب دچار مشکلات روانی و اجتماعی می شوند.   
موضع خانواده در مواردی که تحصیل به رده های بالاتر می رسد در سطح خانواده جدید یعنی خانواده ای که خود دانشجو با ازدواج کردن تشکیل می دهد نیز ادامه می یابد. و این بار الزامات خانواده سببی به الزامات خانواده نسبی افزوده می شود. در این حال دختر دانشجو باید دائما نبود تضاد را میان نقش های مختلف خود( دختر‏، خواهر‏، همسر، مادر) با نقش اجتماعی خویش به مثابه دانشجو  به خود و به دیگران ثابت کند و فشاری را که ناشی از عدم پذیرش این امر به دلیل وجود کلیشه های شناختی است تحمل کند.   
خروج از دانشگاه نیز به معنی پایان یافتن مشکلات نیست و دختران دانشجو با از دست دادن هویت دانشجویی خود و روزمرگی دانشجویی شان دچار مشکل جدید می شوند و آن به دست نیاوردن هویتی اجتماعی درسطح اشتغال است. اختلاف فاحش میان نرخ اشتغال زنان و نرخ تحصیل آنها سبب می شود که دختران دانشجوی پیشین تبدیل به زنان خانه داری ناراضی شوند که موقعیت جدید خود را نیز به هیچ رو نمی پذیرند. البته هر اندازه از ابتدا رویکرد دانشجو به تحصیل رویکردی به مثابه یک سرمایه اجتماعی باشد بیشتر در این موقعیت تازه احساس آسایش می کند. اما تضاد موقعیت روزمرگی دانشجویی و موقعیت روزمرگی خانه سبب پدید آمدن موقعیت های سردرگمی و بحران های هویتی می شود که چنانچه ما به فکر چاره برای آن ‏از طریق تاثیرگذاری بر بازار کار نباشیم در آینده ای نه چندان دور می توانند به بحران هایی هر چه عمیق تر تبدیل گردند.   
در نهایت باید بر این نکته تاکید کرد که تضادهای موقعیتی و هویتی که دختران در حال حاضر با آن روبرو هستند، حاصل تضادی است که میان دو سیستم وجود دارد :

نخست سیستمی که در سطح گفتمانی که از یک طرف از پیشرفت دختران و تحصیل به مثابه ارزش هایی مطلقا مثبت دفاع کرده و بنابراین با تبدیل آنها به ارزش ها و سرمایه های اجتماعی تقاضا را برای تحصیل افزایش می دهد و طرف دیگر سیستمی که برای حفظ موقعیت های مرد سالارانه اجازه تغییر  در بازار کار و ترکیب آن و ساز و کارهای اجتماعی همراهی کننده با آن را نمی دهد و به این ترتیب  اجازه نمی دهد که ساختاری جنسیتی نابرابر حوزه کار تغییر کنند.   
اگر ما فکری به حال این تضاد نکنیم بی شک بحران ها در چشم اندازی میان و دراز مدت به شدت  تهدید کننده خواهند شد. راه خروج از این موقعیت نیز  باید به مثابه استراتژی ای چند جانبه و با استفاده از منابعی که ما چه در سنت خود و چه در تجربه زندگی جامعه مان در دوران معاصر داریم‏، تحقق یابد.

**فصل سوم؛**   
**متدلوژی تحقیق**

**1-3) مقدمه:**  
به طور کلی در اجرای یک تحقیق اینگونه است که می بایست به سمت سیستمی بودن حرکت کرد بدین معنی که در فرآیند تحقیق باید از مسائل کلی شروع کرد و سپس مسائل جزئی را که همان اجزاء ریزگام به گام تحقیق است را بیان و تحلیل کرد. موضوع کلی در یک تحقیق باید مورد توجه قرار گیرد نوع نگرش و دیدگاه محقق یا محققین به پدیده ای است که می خواهند آن تحقیق را انجام دهند و این یادآور آن است که حتما در روش اعمال شده در تحقیق می بایست چهار چوب کلی و جزئی را بیان نمود تا با استفاده از الگوی ذهنی ارائه شده بتوان مراحل و گام های بعدی فرآیند تحقیق را شناسایی و به کارگرفت.  
به طورکلی نوع تحقیق بر اساس اینکه ازچه زاویه ای به آن نگاه می کنیم به چهار دسته تقسیم می شوند که عبارتند از :  
الف) هدف تحقیق : دلیل اصلی اینکه تحقیق به منظور تحقق آن انجام می شود .  
ب) فرآیند تحقیق : مراحل و گام های موجود در اجرای تحقیق که شامل جمع آوری و تحلیل اطلاعات نیز می باشد .  
ج) منطق تحقیق : روش ارزیابی و تحلیل و بررسی فرضیه ها و قضایا را نشان می دهد .  
د ) نتیجه تحقیق: اثر و نقشی که پس از انجام تحقیق بر جای می ماند .  
به طور کلی یک تحقیق با بیان یک مسئله یا مشکل آغاز می شود بدین صورت که موضوع مورد مطالعه سؤالات فراوانی را در ذهن محقق ایجاد کرده و او پس از بیان آنها و تدوین فرضیه های خود به سمت گردآوری اطلاعات و تجزیه تحلیل مطالب بدست آمده می پردازد که نتیجه آنها منجر به تایید یا در فرضیات مطرح شده می گردد به همین دلیل است که مرحله گردآوری و جمع آوری اطلاعات یکی از مراحل مهم تحقیق به شمار می رود.  
در این فصل، روش تحقیق شامل روش های گردآوری اطلاعات، جامعه آماری و همچنین پرسشنامه مورد نیاز جهت رد یا تایید فرضیه های پژوهش مطرح می شود.

**2-3) جامعه آماری تحقیق :**  
به نظر محقق هر چقدر عوامل مؤثر بر متغیرهای تحقیق محدودتر باشد، متغیرهای تحقیق از قابلیت  کنترل بیشتری برخوردار خواهد شد و به همین ترتیب قابلیت اتکای رابط بین این متغیرها و نتایج حاصله از آن معتبرتر خواهد بود جامعه آماری مورد نظر این تحقیق تمامی دانشجویان رشته مدیریت صنعتی مشغول به تحصیل در دانشگاه قم باشد.  
و با توجه به دامنه گسترده این جامعه آماری به ناچار از روش نمونه گیری تصادفی استفاده گردیده است. جامعه این تحقیق شامل 800 نفر می باشد.  
**3-3) نحوه انتخاب نمونه ها:**  
با توجه به جامعه آماری تحقیق که در فاصله 100 تا1000می باشد نمونه مورد نظر تحقیق می بایست یک دهم یا یک یازدهم جامعه آماری را شامل می شود یعنی حدود 100 نفر......  
  
**4-3) روش گردآوری اطلاعات :**  
داده های مورد نیاز برای این تحقیق با توجه به پرسشنامه هایی که دراختیار دانشجویان قرار گرفته است و نیز منابع موجود در گذشته بدست آمده است.  
  
**5-3) روش آزمون فرضیه ها :**  
تجزیه و تحلیل مورد استفاده قرار گرفته در این تحقیق براساس پاسخ نامه های داده شده در پاسخنامه ها می باشد.

پاسخ نامه های در نظر گرفته شده برای سؤالات پرسشنامه شامل 5 گزینه است. 1)کاملاً موافقم، 2) تا حدی موافقم ، 3) بی تفاوت، 4) تا حدی مخالفم ، 5) کاملاً مخالفم

در خصوص استفاده از این مقیاس، لازم به توضیح است که از طریق این پرسش ها از پاسخ دهندگان خواسته می شود که از میان چندین گزینه، یک پاسخ را برگزیند. دستور العمل پرسش نامه ها معمولا به پاسخ دهندگان می گویند که بهترین گزینه را انتخاب کنند.  
این مقیاس یک مقیاس لیکرت می باشد ، انعطاف پذیری انواع روشهای جمع آوری اطلاعات را دارا می باشد و جمع آوری و پردازش پاسخ های آن مؤثر و کارا بوده و امکان می دهد تا در زمان اندک و محدود، حجم قابل توجهی از اطلاعات جمع آوری شود. هنگام استفاده از این مقیاس؛ یک موضوع قابل توجه است که گزینه های پاسخ می بایست یک گزینه حد وسط دارا باشند، زیرا به پاسخ دهندگانی که بی طرف هستند اجازه می دهد تا بی طرفی خود را بیان کنند. در مجموع محقق برای عدم استفاده از گزینه حد وسط می بایست دلایل و انگیزه های بسیار قوی داشته باشد.

**6-3) بررسی روایی پرسشنامه:**  
به منظور بررسی و تایید روایی پرسشنامه نظرات تعدادی از اساتید این رشته که در زمینه تهیه پرسشنامه فعالیت دارند مورد توجه قرار داده شده است که در این راستا توضیحات ایشان به منظور حذف و اضافه کردن بعضی از سؤالات و نیز جا به جایی قسمت های پرسشنامه اقدام شده است و پس از ارائه نمونه هایی پرسش نامه، تقریبا تمامی سؤالات از سوی اعضای جامعه آماری پاسخ داده شده و این پاسخ ها به صورت تک به تک مورد بررسی قرار گرفت.

**7-3) بررسی پایایی پرسشنامه :**  
اصلاحات و تغییراتی که در پرسشنامه بوجود آمد به دلیل ابهام در بعضی سؤالات و نیز پیچیدگی در تعدادی سؤالات بود که به توضیحات بیشتری نیاز داشتند زیرا باعث می شدند که برداشت های مختلفی از آنها بدست آید.  
 **8-3) فرم پرسشنامه**

فرم نظرسنجی علاقه مندی به رشته تحصیلی   
با سلام واحترام  
مخاطب عزیز!  
فرم نظر سنجی زیر حاوی سوالاتی پیرامون میزان علاقه مندی به رشته تحصیلی دانشگاهی شما است. اطلاعات بدست آمده صرفا برای انجام تحقیق پژوهشی مورد استفاده قرار می گیرد. مطمئنا اطلاعات شما در نزد محقق محفوظ خواهد ماند.  
لطفا این پرسشنامه را با کمال دقت و صداقت پر نمایید.

مشخصات زیر را در صورت تمایل تکمیل نمایید. (با تشکر)  
نام و نام خانوادگی :                          رشته تحصیلی:            
جنسیت:                    سال ورودی:      
معیار سنجش؛     
تعریف سوال؛      
1)کاملا مخالفم   2)تاحدی مخالفم  3) بی تفاوت  4)تاحدی موافقم   5)کاملا موافقم

1) رشته تحصیلی خود را با آگاهی قبلی انتخاب کردم.  
  
2) سطح تحصیلات خانواده و خویشاوندان در انتخاب من موثر بوده است.  
  
3) عوامل محیطی و شرایط اجتماعی باعث اجبار من در انتخاب من در رشته شد.  
(برای آقایان سربازی و برای خانم ها ازدواج)  
  
4) دانشگاه محل تحصیلم در انتخاب رشته ام نقش داشته است.  
  
5) آینده رشته و بازار کار موجب انتخاب من شده است.  
6) مسائل مالی و پرداخت شهریه در بی علاقگی نسبت به رشته ام موثر بوده است.  
  
7) درگیری در مسائل سیاسی و اجتماعی موجب دوری من از رشته ام شده است.  
  
8) مدرک گرایی فقط باعث علاقه مندی من به رشته ام شده است.  
  
9) سطح علمی و نحوه تدریس اساتید در افزایش علاقه مندیم موثر بوده است.  
  
10) مایلم در مقاطع بالاتر در رشته ام ادامه تحصیل دهم.

( اگر شرایط ویژه ای بر انتخاب شما حاکم بوده است لطفا توضیح دهید. )  
توضیحات:

**فصل چهارم؛**

**تجزیه وتحلیل اطلاعات**

**1-4) مقدمه :**  
با توجه به آنکه نتایج تحقیق از بررسی بر روی اطلاعات بدست آمده، حاصل می گردد پر واضح است که این بخش از فرآیند تحقیق ، بسیار مهم و حائز اهمیت می باشد به طوری که تاثیر مستقیم بر روی آثار نهایی تحقیق می گذارد. بنابراین این مرحله علاوه بر این که تاثیر مراحل اول (تعیین فرضیات تحقیق)، دوم (بررسی ادبیات پیش و تحقیقات گذشته) و سوم (تعیین روش تحقیق و روش آزمون مناسب) را نشان می دهد و بر مرحله آخر یعنی نتیجه گیری محقق از فرآیند تحقیق هم تاثیر گذار است پس به طور قطع می توان بیان کرد که این مرحله مهمترین مرحله در فرآیند تحقیق است.  
  
**2-4) تجزیه و تحلیل داده ها:**  
با توجه به موضوع اصلی تحقیق که بررسی عوامل موثر در انتخاب رشته مدیریت صنعتی در بین دانشجویان گروه مدیریت صنعتی دانشگاه قم می باشد و فرضیات ارائه شده در فصل نخست ؛ پرسشنامه ها در اختیار افراد نمونه قرار گرفت و نتایج حاصله از بررسی های این پرسشنامه ها بصورت تک به تک به این شرح بوده است:   
•     در پاسخ به سؤال 1 : 26 نفر معادل 14% گزینه اول  ، 54 نفر معادل 30% گزینه دوم ، 47 نفر معادل  5/26 % گزینه سوم 35 نفر معادل 5/19 % گزینه چهارم ، 18 نفر معادل 10% گزینه پنجم را انتخاب کرده اند.

•    در پاسخ به سؤال 2 : 35 نفر معادل 5/19% گزینه اول، 36 نفر معادل 20% گزینه دوم ، 53 نفر معادل 5/29 % گزینه سوم 29 نفر معادل 16% گزینه چهارم ، 27 نفر معادل 15% گزینه پنجم را انتخاب کرده اند.

•    در پاسخ به سؤال 3 : 57 نفر گزینه اول، 23 نفر معادل 13% گزینه دوم ، 21 نفر معادل 5/11% گزینه سوم، 36 نفر معادل 20% گزینه چهارم، معادل 5/31%  و 43 نفر معادل 24% گزینه پنجم را انتخاب کرده اند .

•    در  پاشخ به سؤال 4: 34 نفر معادل 5/18% گزینه اول، 26 نفر معادل 5/14% گزینه دوم ، 19 نفر معادل 10% گزینه سوم ، 43 نفر معادل 5/24% گزینه چهارم، 58 نفر معادل 5/32% گزینه پنجم را انتخاب کرده اند .

•    در پاسخ به سؤال 5: 65 نفر معادل 36% گزینه اول ، 48 نفرمعادل  26.5% گزینه دوم ، 27 نفر معادل 15% گزینه سوم 26 نفر معادل 14.5% گزینه چهارم ، 14 نفر معادل 8% گزینه پنجم را انتخاب کرده اند

•    در پاسخ به سؤال 6: 11 نفر معادل 5/6% گزینه اول ،24 نفر معادل 13% گزینه دوم ،48 نفر معادل 5/27% گزینه سوم، 32 نفر معادل 17% گزینه چهارم، 65 نفر معادل 36% گزینه پنجم را انتخاب کرده اند .

•    در پاسخ به سؤال 7: 31 نفر معادل 17%گزینه سوم،42 نفر معادل 23% گزینه چهارم ،97 نفر معادل 60% گزینه پنجم را انتخاب کرده اند و کسی گزینه 2و1 را انتخاب نکرد.

•    در پاسخ به سؤال 8: 24 نفر معادل13%گزینه اول،63 نفر معادل 35%گزینه دوم، 36نفر معادل20 % گزینه سوم، 32 نفر معادل 18%گزینه چهارم،25نفرمعادل  14%گزینه پنجم را انتخاب کرده اند

•    در پاسخ به سؤال 9: 16 نفر معادل 9%گزینه  اول ،24 نفر معادل 13.5% گزینه دوم،65 نفر معادل 36%گزینه سوم،45 نفر معادل 25%گزینه چهارم،30 نفر معادل  5/16% گزینه پنجم را انتخاب کرده اند.

•    در پاسخ به سؤال 10: 32 نفر معادل 18%  ، 65 نفر معادل 36% گزینه دوم ،37 نفر معادل  20%گزینه سوم، 32نفر معادل 18% گزینه چهارم و 14 نفر معادل 8% گزینه پنجم را انتخاب کرده اند.

**3-4) طبقه بندی اطلاعات:**  
در بررسی سؤالات مندرج در پرسشنامه  چنین می توان گفت که:  
در سؤال شماره 1: نشان می دهد میزان آگاهی دانشجویان پیش از ورود به رشته در حالی وارد ادامه تحصیل شده اند که اطلاعات  متوسطی از رشته مورد نظر خود را داشته اند.  
در سؤال شماره 2: که نشان دهنده میزان تاثیر و نقش والدین در انتخاب رشته دانشجویان است چنین به نظر می رسد که والدین به صورت یکی از مواردی هستند که در این انتخاب به طور کلی نقش مهمی را ایفا کرده اند .  
در سؤال شماره 3: که تایید عوامل محیطی و شرایط اجتماعی را در انتخاب این رشته بررسی می کند مشخص می کند که عوامل چون سربازی و ازدواج از جمله عواملی هستند که در اجبار دانشجویان به تحصیل در رشته های که بدان علاقه نداشته اند مؤثر بوده است.  
در سؤال شماره 4: در این سؤال دانشگاه محل تحصیل به عنوان عنصر مؤثر مدنظر بوده است و این چنین بدست آمده که در مجموع برای دانشجویان فرقی نداشته است که در چه دانشگاهی تحصیل کنند و این عامل بی تاثیر بوده است.  
در سؤال شماره 5: که نشان دهنده آینده نگری دانشجویان به رشته و بازارکار آن است اینگونه بدست آمده است که در این مورد دانشجویان با توجه به آینده رشته خود به این رشته وارد گشته اند.  
در سؤال شماره 6: که توانایی مالی دانشجویان در پرداخت شهریه و تاثیر آن برعلاقه دانشجویان مورد بررسی قرار گرفته است نشان می دهد که این مورد به طورقابل توجهی تاثیر بسیار کمی را در انتخاب رشته ایفا کرده است و تقریبا بی تاثیر است.  
در سؤال شماره 7: که این مورد میزان درگیری و توجه دانشجو به مسائل سیاسی و اجتماعی را مدنظر قرار داده است بیان می کند که این مسائل تقریبا بی تاثیر می باشد به طوری که می توان گفت اصلا تاثیر ندارد.  
در سؤال شماره8 : که بازگو کننده میزان مدرک گرایی در بین اعضای جامعه است این طور بیان می شود که مدرک گرایی می تواند یکی از عوامل مؤثر در انتخاب رشته باشد.  
در سؤال شماره9: که نقش اساتید و سطح عملی آنها را در جذب دانشجویان و علاقه مند کردن آنها بررسی کرده است این چنین دریافت می شود که این مورد تاثیر مهمی در میزان دانشجویان نداشته است.  
در سؤال شماره10: که تمایل دانشجویان را برای ادامه تحصیل در این رشته را مورد بررسی قرار داده است این چنین بدست آمده که این تمایل در اکثر دانشجویان به چشم می خورد و آنها مایلند این کار را انجام دهند.

**4-4) بررسی تأثیر یافته ها بر فرضیات تحقیق:**  
با توجه به منابع بدست آمده از پرسشنامه و تحلیل اطلاعات می توان راجع به فرضیات مطرح شده در ابتدای تحقیق اینگونه گفت:   
1) در مورد میزان آگاهی دانشجویان پیش از ورود به دانشگاه در انتخاب رشته می توان این چنین گفت که این مورد تاثیر مستقیمی در انتخاب رشته دارد پس این نوع فرضیه تأیید میشود.  
2) سطح تحصیلات خانواده و نقش آنها در انتخاب رشته دانشجویان فرضیه ای است که پس از تحلیل اطلاعات مشخص گرید که این عامل تاثیر مهم و قابل توجهی در انتخاب رشته دارد و لذا این فرضیه هم تایید می شود.  
3) این فرضیه مدرک گرایی را باعث انتخاب رشته از سوی دانشجویان دانسته که پس از تحلیل اطلاعات بدست آمده که این فرضیه هم تایید شد چراکه همچنان مدرک گرایی باعث انتخاب رشته می گردد.  
4) فرضیه دیگر بیان می داشت که آینده رشته و بازار کار آن در انتخاب رشته مؤثر است که در پایان بررسی بدست آمد که در انتخاب رشته، دانشجویان به این مورد توجه نشان داده اند، لذا این فرضیه تأیید می شود.  
5) شیوه تدریس و سطح علمی اساتید فرض دیگری بود که در علاقه مندی دانشجویان به رشته شان مورد تجزیه و تحلیل قرارگرفت پس از بررسی مشخص شد که این فرضیه رد می گردد زیرا نقش اساتید و سطح علمی آنان در این انتخاب کمرنگ بررسی شد.

**فصل پنجم؛**  
**خلاصه**

**نتیجه گیری پیشنهادات**

**1-5) مقدمه:**  
در انجام یک فعالیت پژوهشی روند و سیر انجام به گونه ای است که در نهایت منتهی به نتیجه ای می گردد که برخاسته از  تجزیه و تحلیل اطلاعات بدست آمده از تحقیق است و این نتایج با توجه به نتایج بدست آمده از تحقیقات گفته و مبانی نظری و تعاریف موضوعات اصلی تحقیق ادامه یافته و به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات می بایست روش تحقیق و همین طور فرضیات مطرح شود و درنهایت محقق با در نظر گرفتن همه عوامل به همه اطلاعات آنچه را که منجر به نتیجه اصلی گشته است را بیان می دارد.  
به عنوان آخرین مرحله از فرآیند تحقیق می بایست محقق، نتیجه گیری کرده و وضعیت فرضیات مطرح شده را مشخص کند و در پایان نظرات و پیشنهادات خود را ارائه نماید.

**2-5 ) نتایج تحقیق :**  
بر اساس تحقیق انجام گرفته می توان اینگونه نتیجه گیری کرد که :  
•    آگاهی دانشجویان پیش از ورود به دانشگاه نسبت به رشته خود، تأثیر مهم و مستقیمی بر میزان علاقه مندی فرد دارد و می تواند در طول دوران تحصیل این را نشان دهد.  
•    سطح تحصیلات خانواده و نقش آنها در انتخاب رشته دانشجویان نیز یکی از عوامل مهم مؤثر در انتخاب رشته دانشجویان می باشد که نشان می دهد علاقه فرد در این مورد ممکن است تحت تأثیر نظر والدین قرار گیرد.  
•    از جمله عوامل مهم و مؤثر در انتخاب رشته دانشجویان پیش از ورود به دانشگاه مسأله مدرک گرایی است که گاه سبب می شود موضوع علاقه در انتخاب رشته فرد کمرنگ گردد.  
•    توجه به آینده و بازار کار رشته انتخاب شده ازجمله عواملی بود که نشان می دهد در انتخاب افراد تأثیری نداشته است.  
•    شیوه تدریس و سطح علمی اساتید هم از آن دسته عواملی است که مشخص گردید در جذب و علاقه مند کردن دانشجویان به رشته خود می تواند مؤثر و مهم قلمداد شود.  
  
**3-5) خلاصه تحقیق** :  
تحقیق پیش رو، به جهت مشخص کردن میزان علاقه دانشجویان و نوع نگرش آنها به رشته تحصیلشان به رشته تحریر درآمده است و پس از بررسیهای فراوان و تجزیه و تحلیل اطلاعات و بررسی عوامل مهم در این باره می توان اینگونه ابراز داشت که دانشجویان با آگاهی کافی وارد دانشگاه نشده اند و نیز والدین آنها در انتخاب آنها نقش مستقیمی داشته اند و نیز نگاه مدرک گرایی موجب آن گردیده است تا مسئله علاقه اندکی نادیده گرفته شود و همینطور عدم توجه به آینده و بازار کار رشته و نیز عدم توانایی اساتید در جذب و علاقه مند کردن دانشجویان نشان می دهد که در مجموع و به طور نسبی میزان علاقه دانشجویان نسبت به رشته تحصیلی خود در سطح پایین قرار دارد.

**در فرآیند این تحقیق، مراحل زیر صورت گرفته است :**  
فصل اول: کلیات تحقیق و هدف از انجام آن به همراه فرضیه های تحقیق و روش انجام تحقیق و. . .  بیان شده است.  
فصل دوم: منابع گذشته تحقیق مورد نظر را مطرح و بیان داشته است.  
فصل سوم : چگونگی جمع آوری اطلاعات و نمونه گیری از جامعه آماری به همراه خلاصه ای از اطلاعات جمع آوری شده و نحوه آزمون و فرضیات را مطرح کرده است.  
فصل چهارم: آزمون فرضیه ها و رد یا پذیرش آنها را در برگرفته است شایان ذکر است که به منظور آزمون فرضیه های تحقیق از پرسشنامه استفاده شده است که در نهایت بعضی از آنها در و بعضی دیگر پذیرفته شده اند که در مجموع می توان ادعا داشت که فرضیات  مطرح شده با اکثریت در موضوع مورد نظر مؤثر هستند.   
  
**4-5 ) پیشنهاداتی با تحقیقات آینده :**  
مسأله علاقه مندی به رشته تحصیلی و نگرش دانشجویان به رشته خود موضوع بسیار مهمی در طی سالهای گذشته بوده است اما به نظر محقق می بایست این تحقیقات از زمان انتخاب رشته  در دوره دبیرستان انجام گیرد؛ آنجا که دانش آموز برای آینده تحصیلی خود تصمیم می گیرد که چه گروه و رشته ای را انتخاب کند که برآورده کننده نیاز تحصیلی او هستند بنابراین پیشنهاد محقق این است که برای یافتن نتایج دقیق تر باید ابتدا از پیش از دانشگاه اقدام کرد و نیز دامنه فرضیات را نیز گسترش داد چرا که این موضوع و این گونه موضوعات انسانی از آن دسته موضوعاتی هستند که وابسته به یک یا چند متغیر محدود نمی شوند.

**5-5) موانع و محدودیت ها :**  
در زمینه تحقیق پیرامون مسئله مهم و در عین حال پیچیده همچون میزان علاقه دانشجویان به رشته تحصیلی خود همواره موانعی حضور خود را نشان می دهند که باعث می شود نتیجه دقیقی از تحقیق بدست نیاید که در ذیل به چند نمونه از آن اشاره می شود.  
1- با توجه به اینکه این تحقیق منحصر به دانشجویان رشته مدیریت صنعتی دانشگاه قم می باشد و این دانشگاه از نوع دولتی می باشد شاید برخی سؤالات پرسشنامه از پیش دارای جوابهای مشخص بودند، بنابراین بهتر بود که جامعه آماری و به طبع آن حجم نمونه در سطح وسیعتری انتخاب می شد اما باز هم این مورد تحقیق را دچار کندی، اتلاف وقت و سردرگمی و نیز پیچیدگی در نتیجه میکرد.  
2- در طول زمان یک تحقیق که از روش پرسشنامه استفاده می کند همیشه بیم آن است که مبادا افراد مورد تحقیق از بیان نظرات تحقیق خود امتناع کنند و یا در آن اهمال کننده بنابراین می توان این را نیز یک مانع در رسیدن به نتیجه دقیق دانست.  
3- با توجه به موضوع تحقیق می توان متصور شد که این موضوع دارای رضایت بسیار زیادی می باشد که می توان آن را در این باره مورد سنجش و ارزیابی قرار داد اما پر واضح است که با توجه به زمان اندک و حجم وسیع این پروژه، این عمل انجام نشد.   
4- در مورد این تحقیق تلاشهای فراوانی انجام شد تا منابع مفیدی در اختیار محقق قرار گیرد. اما متاسفانه موارد مفیدی یا وجود نداشته اند یا اندک بوده اند و این باعث عدم داشتن اطلاعات کافی نسبت به موضوع تحقیق در ستوه دیگری و در ایام گذشته شد.  
5- با توجه به وجود برخی سؤالات که در مورد آقایان و خانم ها شرایط متفاوتی را دارا بوده اند ولی نیاز در این بود که با توضیحات به آنها پاسخ داده شود این تحقیق با شرایط ذکر شده در بندهای فوق در ابتدا بر آن بود تا تحقیق را با تفکیک جنسیت به همراه تفکیک زمان و دوره تحصیل ارائه نماید اما موانع فوق الذکر باعث عدم انجام این کار شده اند.

**پیوست ها ومنابع ومأخذ**  
  
**منابع و مآخذ:**

**فهرست منابع فارسي :**  
1-    احمدپور داریانی، محمود (1378)، كارآفرینی، تهران شركت پردیس 57 .   
2-   عاصمی پور، محمدجواد، (1379)، بررسی نظام آمــــــوزشهای علمی - كاربردی و تاثیر آن بر بهره وری. مجموعه مقالات دومین همایش بررسی و تحلیل آموزشهای علمی كاربردی ص 55 .   
4-    مكنون، رضا، (1380)، راهبرد آموزش عالی، اشتغال و توسعه كشور، مجموعه مقالات كنگره راهبردی توسعه علمی ایران، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ستاد پیشبرد علوم ایران 1400 .   
5-     نصیری قیداری، حسن، (1381) بسترسازی كارآفرینی، ماهنامه بازاریابی، شماره 22، صفحه 2 .   
6-    علی نظری كتولی : كارشناس ارشد مدیریت دولتی و كارشناس امور اداری دانشگاه علوم كشاورزی و منابع طبیعی گرگان.   
7-    دكتر رامین رحمانی: استادیار دانشگاه علوم كشاورزی و منابع طبیعی گرگان.  
  
 **فهرست منابع غیر فارسی :**

8- www.irandiplomacy.ir   
9- www.ghaseedaknews.ir  
10- [www.daneshju.ir](http://www.daneshju.ir)   
11- .com 1000 www.study.